

- قطعنامه راهپیمایی اول ماه مه صفحه ۳
- لجن‌پراکنی حزب توده (۲) صفحه ۶
- «اول مه» از لنین صفحه ۵
- مذهب و تبلیغات ضد کمونیستی صفحه ۵
- فلسطین و توطئه‌های امپریالیسم، صهیونیسم و ارتجاع صفحه ۷



۱۷ اردیبهشت ۱۳۵۸ • بهاء: ۱۰۰۰۰ ریال

● سرمقاله

درسهای اول ماه مه

روزا ولما، امروز همسنگی جهانی کارگران جهان، اسامال نیزمانند سالهای دیگر علی‌رغم شام فشارها و مفاقی سرمایه داری، و با اینکه بسیاری از رژیم‌های سرمایه داری و ارتجاعی اجازه برگزاری ایسین مراسم را به کارگران ندادند، از جانب پروولنتریای جهانی و نمایی علاقه‌مندان به آرمان‌والای ایسین طبقه در سرتاسر جهان جشن گرفته شد.

طبقه کارگر ایران نیز بعنوان جزئی از سیاه‌عظیم پروولنتریای جهانی اسامال به بزرگداشت آورد. های مهمی که با شرکت فعال خود در انقلاب دمکراتیک و مدامیربالیستی بدست آورده است و با خاطر خوشی که به همراه دیگر افشار و طبقات خلق در راه آزادی و استقلال مردم مستعبدیده داده است، توانست پس از ۲۶ سال ترور و هفغان این روز را در فضای سیاسی نوینی جشن بگیرد.

بزرگاری این مراسم، خواسته‌های طبقه کارگر ایران و مسائل و مشکلات کنونی او را در راه بیامون راه پرشکوه خویش با وضوح بیشتری به نمایش گذاشته، و با ردیگر ضرورت برخورد جدی با این مسائل را از جانب نیروهای م.ل. خاطر نشان ساخت. ما در این مقاله سعی میکنیم اساسی‌ترین نتیجه‌گیریهای خود را از جریان‌های تاریخی که در این روز گذشت بیان نمائیم.

دمکراتیسم پروولنتریایی

۱- هر چند روز اول ماه مه در شرایطی برگزار شد که هنوز حزب کمونیست ایران و ستاد واحد رهبری کهنه طبقه کارگر موجود نیا آمده است، و هرچند بخش بزرگی از توده‌های کارگر بدنبال ریزوبونیستیها و انحصار طلبان سیاسی کشیده شدند، ولی به جرات میتوان گفت که بخشی از طبقه کارگر ایران بسوی اولین بار پس از سال ۳۲ با شاعرها و در خواستهای مستقل خود به میدان آمد. تجلی این حرکت در تظاهرات صدها هزار تهرانی خانه کارگر بود. در این تظاهرات عظیم طبقه کارگر ایران توانست دمکراتیسم پروولنتریایی و آرمانهای والایش را به نمایش گذارد، و با شاعرها و خواسته‌های عادلانه سیاسی و منصفی خود سایر دیگر این حقیقت را بیان کند که تنها طبقه کارگر است که بهیچوجه مفتون پیروزیهای محدود بدست آمده در انقلاب دمکراتیک و غذا میربالیستی نبوده و نیست و همواره بر ادامه انقلاب و تصفیه حساب قاطع با دشمنان خلق تا ناکید دارد، همین لحاظ بود که طبقه کارگر در تظاهرات خانه کارگر فریاد برداشت که: "صنایع وابسته ملی باید گردد، حقوق زحمتکشان برودخت باید گردد" و با بر پرچم خود نوشت: "را-دینو، تلویزیون منقطع به ملت است، سهم کارگر بسوی همه است" و "امپریالیسم آمریکا خونخوا رترین دشمنان خلقهای جهان" و ... و بدین ترتیب آگاهی و هوشیاری و پیگیری خود را به نمایش گذاشت و نشان داد که مبارزه "غدا میربالیستی و دمکراتیک برای او نازمانی که تمام مظاهر امپریالیسم نشه فقط از میهن ما بلکه از همه جهان برچیده نشود و مظاهر ستم و اختیاری بر جای مانده باشد، ادامه خواهد یافت" او با عنوان کردن این شعار کهنه "تفرقه لاج امپریالیسم و صهیونیسم است نشان داد که بدامی که ارتجاع برای تفرقه افکنی در صفوف خلق ستاد ک دیده است نمی افتد. آنان هر نوع سازشکاری و نسیب نتیم مصالح توده‌ها را با این شعار: "کارگر زحمتکش، علیه هر نوع سازش، فریاد خود را برکن" محکوم ساختند. آنها بر پرچم خود نوشتند: "آهمن بساد منت کارگران...". چکن کارگر بر فرقی ستم کوبیده میشود، و بدین ترتیب با مراحت تمام قیام مصلمانه خویش را بر علیه هر نوع ستم ابراز نمودند.

.. براسی چرا آنها میتوانند این چنین بی‌ملاطبت و بیگیرانه از خواستهای دمکراتیک و غذا میربالیستی توده‌ها حرف بزنند؟ طبقه کارگر با مراحت تمام به این چرا پاسخ میدهد: "سهم کارگران رنج، سهم کارفرمایان کج" و بدین ترتیب با این بیان نشان میدهد که هیچ نوع دلچسپی او را به نظام سرمایه داری بیرون نمی دهد، و هیچ نوع در جازدنی برای وی در چنین نظامی متصور نیست و رسنگاری واقعی-بقیه در صفحه ۲

گزارشی از راهپیمایی صدها هزار نفری اول مه (خانه کارگر)

موج عظیم انسانی، هفتوی از اتحاد و همسنگی کارگران و نیروهای دمکرات و غذا میربالیست ساعت ۹/۵ صبح، از جلوی خانه کارگر، برای معیافتن، تا روزجهانی کارگر با شکوه تمام، برپا دارد. تا با اعلام خواستهای برحق کارگران زحمتکش، این عیدخوین طبقه کارگر با سه فریادی بدل کند که از خلقوم تمامی خلق زحمتکش و مستعبدیده ما، بر علیه ظلم و استعمار، برکننده میشود. هر چه بر ظمین بساد فریباندان!

- ★ ما خواستار آزادی اجتماعات قلم و بیان هستیم.
- ★ ما خواهان منصفی شدن کنش و رزی و ایجاد صنایع مادر هستیم.
- ★ خواسته‌های بحق توده‌های زحمتکش کارگر را کسب خواسته هر زحمتکش است، بیان میکنند: بقیه در صفحه ۳



درباره مسئله ملی

● مقدمه

قیام مسلحانه بیمن ماه طومار رنگین سلطنت را بسوی همیشه درهم پیچیده، انقلاب دمکراتیک و غذا میربالیستی خلقهای ایران را در مسیر تازه و با وظایف نین و حماس قرار داد.

اگر قبل از قیام، توده‌های مردم صرف نظر از هرگونه اختلاف و متحدانه دور هم جمع شده، تمامی قدرت، ابتکار و شور انقلابی خود را در راه تحقق مسئله عمومی و مشترک یکار می‌انداختند، امروزه، در شرایط بعد از قیام تنها افشار و نیروهای پیگیر انقلاب هستند که خواهان ریشخ شدن کلیه مظاهر سلطه و نفوذ امپریالیسم و دستیابی به خواستهای انقلابی خود می‌باشند. از این میان ملیت-بقیه در صفحه ۲

کارگران رزمنده، در جلوی صف گام بر میدارند، پلاکاردها و شعارهای از جانب گروههای از کارگران کارخانه-های مختلف بر فراز چهره‌های رنج کشیده و مغمم کارگران برافراشته شده است. اما هر شمار، خواسته‌های تمامی طبقه کارگر زحمتکش سرزمین ما را بیان میکنند. کارگران با شعارها و پلاکاردهای خود، در مقابل دشمنان خلق و سازشکاران، صف‌آرایی کرده‌اند:

- ★ امپریالیسم خونخوار، دشمن خلقهای ما.
- ★ مرگ بر آمریکا، دشمن خلقهای جهان.
- ★ ما خواهان تضمین عدم مدور رفتن به آمریکا، اسرائیل و آفریقای جنوبی هستیم.
- ★ ملی کردن سرمایه‌های خارجی و ترکای غارتگر و غلبان.
- ★ برای کوتاه کردن دست امپریالیسم از زحمتکشان، باید با آنها بجنگیم. صنایع، کارخانه‌ها و صنایع سرمایه‌های وابسته ملی گردد.
- ★ کارگران بهره‌کشی انسان از انسان، استشار را محکوم میکنند. چرا که اینها زهرکس با تمامی گوشت و پوست خود آن را لمس میکنند.

★ سهم کارگران رنج، سهم سرمایه دار کج.

★ کارگر میسازد، رنج میدهد. کارفرما میخواهد، کجنگ میسازد.

روی بک پارچه بزرگ، چهره مغمم کارگری نقش بسته است که با تمام وجود خود مصممانه میگوید:

★ کارگر ایرانی دیگر زیر بار ستم نمی‌رود. کارگری از شدت هجان انگ چشم آورده است. بر فراز سرش شجاری تاب میخورد:

★ درس بجای کسار، برای کودکان کارگر، و کودکی که بردش کارگری است، میبندد. در آینده و باید بتواند درس بخواند. صف همچنان به پیش میرود. موج‌انسانی سرودخوانان مترنم میشود، شعار میدهد:

اتحاد، اتحاد، زحمتکشان اتحاد! شعارها و پلاکاردهای که در دست نیرومندان کارگران، با هتزاز درآمده است خواسته‌های حق تمامی خلق را می‌طلبید:

ترور آیت الله مطهری محکوم است!

در شرایطی که خلقهای ما بیش از هر زمان دیگر با اتحاد عمل در راه مبارزه خود علیه ارتجاع و امپریالیسم زخمی نیاز دارند و در شرایطی که هر نوع نفاق افکنی و منحرف کردن ذهن توده‌ها از سمت ملی مبارزه خود جز دشمن خلقها را خوشحال نمیزاند، روی آوردن به شیوه‌های تروریستی و رواج آن در جامعه، نمیتواند بجای جز ارتجاع و امپریالیسم خدمت کند.

بدین لحاظ، ما به همراه تمام نیروهای انقلابی دمکرات و غذا میربالیست که بحق بسوی توطئه‌های که اینچنین اعمالی میتوانند زمینه آنرا فراهم سازد آگاهی دارند، ترور آیت-الله مطهری را بشدت محکوم میکنیم.

مستحکم تریاد پیوند خلقهای ایران!

با بود باد بقایای ارتجاع و سلطه امپریالیسم!

سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

ادامه از صفحه اول

اش روزی فرا میرسد که اثری از نظام سرمایه داری برجای نمانده باشد. بنابراین از نظر او همنوع خواست آزادیخواهان و استقلال طلبانه، نه بخودی خود هدف غایی و نهایی است و نه طبقه کارگر میخواهد بر روی گلبه های بدست آمده از اسیران مبارز و در جازند بلکه او صرفا این دموکراسی و رهاشی از قید و بند امپریالیسم را برای رسیدن هر چه سریعتر به سوسیالیسم و جامعه بی طبقه طلب میکند. این آرمان و اعتقاد پرولتاریا شایسته بر پرچم هاشی که به همراه دهها هزار انسان حرکت میکرد نقش بسته بود و این یکی از آنهاست که: "جواز عبور طبقه کارگر را تاریخ مادر کرده است" ۲- اما آنچه برای طبقه کارگر مهم است تنها طرح شعارها و خواسته های عادلانه و برحق و سر دادن سرود در راه آرمان هاش نیست بلکه عملی کردن این شعارها و رسیدن به این آرمانها نیز مطرح است. تنها سلاح طبقه کارگر، در این راه، تشکل و اتحاد است. نداشتی که کارگران بهرهمراه متحدین خود در این روز بردارند که: "اتحاد، اتحاد، زحمتکشسان اتحاد" و با "زنده باد اتحاد رنجبر"، دستهای که در فضا بسلامت اتحاد برهم افزوده شد، همه وهمه بیانشگر این حقیقت بود.

آنچه در اینجا، در راه رسیدن به هدف تشکل و اتحاد پیش از هر چیز دیگر اهمیت دارد پیوسته هر چه بیشتر نیروهای مارکسیست-لنینیست با طبقه کارگر از یک طرف و تلاش برای وحدت این نیروها ازجا تبذیر است.

حرکت طبقه کارگر ما در جریان انقلاب اخیر و همینطور در روز اول ماه مه نشان داده است که به لحاظ عینی و بخاطر پاسخ گفتن به آنها زها و ضرورت های بسیار مبرمی که امروزه در جهت تحقق خواسته های طبقه کارگر مطرح شده - زمان این اتحاد و پایان دادن به تفرقه و پراکندگی نیروهای م.ل. فرارسیده است - و این جز در گرو کوشش مادافانه نیروهای م.ل. نیست. در این راه وظایف سنگینی بر دوش تک تک این نیروهای (م.ل.) قرار دارد: تمسبه صاحب قلمی با تاکنیک و نظرات و عملکردهای انحرافی گذشته، چاه زان تبذیر نیروها که در گذشته خود را از صحنه اصلی مبارزه خلقها دور نگاهداشته و برومواغ بی عملی و پاسیفیستی فرار داشته اند و چه از جانب نیروهای که بر مثنی چریکی استقرار داشته و پایان دادن به فرصت طلبی هاشی که بصورت شانه خالی کردن از انتقاد از خود مادافانه عموئ کردن شعارها و حتی تاکنیک خود بدون توفیق و برخورد جدی با نظرات قبلی و... که متاسفانه رواج دارد، گذشت از منافع محدود گروهی و بی بردن به عمق سکتاریسم، و عظمت طلبی های گروهی، پایان دادن به شیوه های متذلل خرده بورژوازی در برخورد با این نیروها به همدگر و بی بردن به عاقبت برخورد های کج دار و مزیز با رویزونیسم و برخورد مریح و قاطع با آن (و مطهر اصلی آن حزب بوده) از جمله وظایف سنگین و مثالی است که بناگوییست نیروهای مدیق م.ل. باید که بدان پاسخگو باشند.

همینک و صفوف واحد نیروهای م.ل. در روز اول ماه مه به تنهایی ستیاری از واقعیت های فوق را در ساختن نشان داد. این روز فراموش نشدنی بیوفای شکار ساختن که تنها در سایه اغماض و گذشت از منافع محدود گروهی و همکاری رفیقانه، و تاکید بر منافع طبقه کارگر در برگزاری این مراسم - قبل از هر چیز بدیگر- و متذلل شدن حول شعارهای عمومی طبقه کارگر است که موجودیت رودخانه های عظیم از انسان هاشی که نسبت به آرمان طبقه کارگر عشق سبورزند اسکان پیسور میگردند. اما نباید این حقیقت را فراموش کرد که این کسب و شتیا و همبستگی های مومضی زمانی میتواند تکرار گردد و به شرطی نیروها قادرند همکاری در چنین مواردی را ادامه دهند که این همکاریها در ارتباط با تلاش و کوشش عمومی برای عملی کردن امر وحدت قرار گیرد. و گر نه هر گونه همکاری خارج از چارچوب بروسه وحدت بناگوییست بازم محدود و محدودتر گردیده و چه بسا در بروسه تفرقه و شتت کتونی ناممکن نیز خواهد شد.

۲- در نظرات عظیم اول ماه مه خانه کارگر

طبقه کارگر همچنین نشان داد که چگونه به اتحاد با زحمتکشان دیگر و اقتدار و نیروهای دمکرات و ضد امپریالیست برای رسیدن به اهداف خویش نیاز دارد. او همچنین قابلیت خویش را بخصوص در شرایط کتونی برای گردآوری سپاه عظیم متحدین خویش بنمایش گذاشت.

دو سهامی اول ماه مه

او چه به لحاظ طرح شعارهای آزادی خواهانه و استقلال طلبانه و چه به لحاظ گردآوری دهها هزار نفر از توده ها و نیروهای دمکرات و مترقی حول شعارهای خود موفوبود ولی این بخیج وجه تصادفی نیست زیرا که تاریخ مبین ما بر فرار نوبتی از حیات خود رسیده که در آن نام پرولتاریا بسنوا ن طلبانه دار جنبش انقلابی مبین ما شتت گردیده است و پس از این زحمتکشان و کلیه اقشار مترقی و انقلابی خلق تنها و تنها از طریق تشکل حول خواسته ها و شعارهای بیکیبرانه پرولتاریا میتوانند به خواسته های خود برسند اگر این حقیقت امروز برای بسیاری از توده های خلق هنوز روشن نیست و اوام لیبیرالی و خرده بورژوازی آنان را بدنبال خود میکشاند، فردا این اوام در زندگی روزمره از بس خواهد رفت و سپاه های باز هم بزرگتری حول پرولتاریا گرد خواهند آمد و سرود روز م خواهند خواند ...



نجوم مبارزه با رویزونیسم

۴- همبستگی نیروهای م.ل. و کارگران و توده ها و نیروهای دمکرات و انقلابی در روز اول ماه مه و شرکت یک پارچه آنان در نظرات خانه کارگر نشان داد که چگونه با وحدت عمل بر اساس شعارهای طبقه کارگر میتوان رویزونیسم را و عاملین مسکو را منزوی ساخت. در این روز همه شاهد بودند که: در مقابل دهها هزار نفری که در نظرات خانه کارگر گرد آمدند، حزب توده با تمام فریبکاریها و تلاشها، بش نتوانست حتی یک دم این نیرو را بسیج کند، اما این همبستگی در مقابل رویزونیسم تنها زمانی میتواند ادامه داشته باشد که کلیه نیروهای م.ل. انقلابی مبارزه مستمر خود را بر علیه رویزونیسم تنها و شعارها و اهداف آنها شتت بخشند، تنها در این صورت است که میتوان نیروهای متذللز و مینا-بینی را از رویزونیسم جدا ساخت و آنها را به سکتار پرولتاریا و متحدین وی کشاند. چگونگی عمل حزب توده در این روز نشان داد که تا چه حد مبارزه برعلیه وی حیاتی است:

درواقع روز اول ماه سننددیگری بر دفتر رسوا- شتیا رویزونیسم و بخصوص حزب توده افزوده شد حزب توده در این روز کوشش کرد تا بر اساس سیاست تسلیم طلبانه و خیانتکارانه خود بر آستان بورژوازی و انحصار طلبان سیاسی چشمه ساشی کتند "نظر لطف" آنها را نسبت بخود جلب سازد! آنها که تا پیش از "جبهه واحد ضد بکتا توری" برعلیه شاه با شرکت جناحهای دوراندیش رژیم حاکم صحبت میکردند و تا دیروز از "جمهوری دمکراتیک ملی" سخن میگفتند، امروز بیکباره با بی شرمی تمام بر پوستهای اول ماه مه خود نوشتند "زنده باد جمهوری اسلامی!" و... اما تنها به این نیز اکتفا نکردند، آنها تلاش کردند با شعارهای مذهبی چاپلوس

مابانه و با شعارهای نازل سیاسی از میدان سیه حرکت کرده و در میدان فوزیه به تجمع "حزب جمهوری اسلامی" به پیوستند. ولی غافل از اینکه اربابی که او در صدد است بدنبال شروود حاضر به پذیرش وی نیست! و به این ترتیب بود که در نیمه راه جلوی حرکت توده هاشی را که "حزب توده" فریبکارانه بدنبال خود میکشید از جانب مدعیان عدالت اسلامی گرفت شد.

تلاش انحصار طلبان

۵- در روز اول ماه مه انحصار طلبان سیاسی و شتت نظراتی که نمیتوانند آرمانهای اولی طبقه کارگر را درک کنند، آنها که طی این مدت بعد از قیام تا حدود زیادی با اعمال و کردار خود افتضا شده اند، و نشان داده اند که به منافع محدود خود در انقلاب دست یافته اند و دیگر حاضر نیستند نه فقط بطور جدی در راه خواسته های برحق توده ها قدم بردارند، بلکه به ترمز انقلاب بدل شده اند صحن دیگری از انحصار طلبی و شتت نظری خویش را به نمایش گذاردند. آنها با شعارهای نظیر: "اسلام پیروز است- کمونیسم ناپود است" و... سعی کردند توده های ناآگاهی را که بدنبال توجهات لیبرالی آنها راه افتاده اند بسج کرده و بنا م اجرای مراسم روز کارگر، ضربات خود را به طبقه کارگر وارد سازند. تنها بجای تاکید بر روی خواسته های

فدا مهربالیستی نظیر خودداری از پرداخت فرسه های ایران به امپریالیستها، معادله اموال سرمایه داران فراری و مدها اقدام بزرگ و کوچک های دیگر ... دادشان را از حق طلبی کارگران و نیروهای مارکسیست-لنینیست و کلیه دمکراتهای انقلابی با هوا بلند کردند و اتهامات ناروای خود را بر آنها وارد ساختند.

آنها با شعارهای تحریک آمیز مبعوف کارگران و هواداران وی در نظرات خانه کارگر حمله آور - شدند و مانع از راه پیمایش آنها در مسیر دلخواه شدند ...

.... اما کارگران پیشرو و نیروهای م.ل. و کلیه دمکراتها که در این راه پیمایشی گرد آمده بودند با متانت و صبر و حوصله انقلابی تنها یک حرف به توده های ناآگاه و تحریک شده بوسله انحصار-طلبان سیاسی زدند و آن "اتحاد، اتحاد، زحمت کشان اتحاد" بود. و بدین ترتیب شایستگی و اخلاق دمکراتیک و آزاد منشاخه خود را نشان دادند. اما انحصار طلبان سیاسی تنها به این موارد اکتفا نکردند، آنها سعی در ماست مالی کردن اختلافات طبقاتی بین کارگران و سرمایه داران بودند. آنها نتوانستند خشم و کینه خود را نسبت به تشکل و عمل متذللانه طبقه کارگر ابراز ندارند، آنها همینطور به نخطه سندیکای کارگری پرداختند و خواستار شورا هاشی از پیوند سرمایه داران و کارگران شدند! "حزب جمهوری اسلامی" قفا غای عموئ شدن روز کارگر را کرد! و بدین ترتیب آنها در عین قدرت، در عین اینکه مواضع کلیدی و مقدرات خلق ما را بدست دارند، نتوانستند وحت وهر اس خود را از پرولتاریا و همبستگی او با پرولتاریای جهانی پنهان سازند!

اینجا بود شتت از نتایج و درسهای روز اول ماه مه!

مردی که چاق است و کت وشلوار شرتونیمزیر پوشیده است کراوات پت و پهنی زده است ، با کاگرزی بحث میکند .می گوید : اینها پرچم شوروی و چین با لایبره اند ... کاگرزی میگوید : کماست ؟ اینها که پرچم نیستند ... مردک ، شانه هایش را با لاینها دارد : «بهر حال ، کمونیستند و یکبار ردیگر ... در کماکش این آشفتنگی بی سبب ، در این حمله های کور ، وهوجبگربهای بی دلیل ، شانه های هز رفتن بخشی از نیروی خلفان هشتیم ، به حرکت آزادبخواهانه و حق طلبانه ، در برنام کمونیست ، کوبیده میشود ، امیر - بالیس و ارتجاع ، از فقر فرهنگی خلفان که دستاورد سالها فاشیسم و غفلان و سرکوب محمدرضا شاه در کوروسا است ، بهره برداری میکنند تا با ردیگر خون خلفان را به نماند حرکت حق طلبانه ، خلق جلوه گیرند ... و بدینگونه از مسافت کشف خود محافظت نمایند ، یک شما بزرگ سر فراز سرکارگران برافراشته است ، یکش کارگر برفروقی ششم میگوید : یکسوپ !

مف عظیم انسانی ، آکاها نه از ردیگری خودداری میکند ، کارگران و مردم آگاه بخوبی میدانند که تنها امیربا - لیس و ارتجاع ، از اینگونه برخورد ها سود میجویند . پس جمعیت می نشینند ، قطعنامه ، کارگران در اولین میدونین طبقه ، کارگر ، پس از سرگونی ارتجاع محمدرضا شاه ، خوانده میشود ، خواهش های بحق کارگران رزمنده اعلام میگردد . خواهش های که جمعیت در هر گام خویش در هر شرف خویش و هر نفس خویش ، امروز ، در این روز گرامی ، آنرا فریاد زد . قطعنامه بشرح زیر است :

مگر سرمایه دار خوبست ؟ نه . کی گفته ، حق ما را میخورد ، دست است . اما ... اینها میگویند ، کارگر با پدر هسریا نه ، مگر کارگر میتونه هسریا نه ؟ ، کارگر که سوادنداره ، نمیتونه یک خانوای بنج نفری را اداره کنه ، اونوقت رهبر باشه ؟ ... !! یک جوان خندان داد میزند "برویم ، جلوی این کمونیستها را بگیریم" (با زبان فحش ونا سزا) . - از کجا فهمیدی که کمونیستند ؟ - آخه ، علامت دارند . - علامتشان چیست ؟ - همه شان سیا هند ، از جنوب آمده اند . !! یک نفر با لجه ، شیرین آذربایجانی فریاد میزد : برویم کارگرها را از زحمتشان در بریا وریم ، بزرگان شان دانشه اند !!

دو کارگر در گوشه ای ایستاده اند ، دستها میکنند : - برادر اینها چه میگویند ؟ کی هستند ؟ - روزگار رگر است ، شمار کارگری میدهند . - میگویند کمونیستند ؟ - از خارج که شیامده اند ، مال همین مملکت هستند ، حرف بدی هم نمیزنند ... یک نفر که ظاهرا کاتب بنظر میرسد ، سخت بیخ و تساب میخورد و بدت برضد صف تبلیغ میکند ، میگوید : - اینها میگویند ، ایران را سرا بر سندانج میکنیم ، نفقه میکنیم ... یک نفر که رد میشود ، میگوید : بر پرده رو تو گو لمتت ...

★ بهداشت ، مسکن ، سواد آموزی ، حق مسلم و انقلابی کا رگر است .
★ قانون کار قبلی باید لغو شود و قانون جدیدی با نظارت نمایندگان واقعی کارگران تدوین گسرد .
★ ۴۰ ساعت کار در هفته برای کارگران .
★ ما خواهان مجازات عادلین کشتار کارگران اعصاب نهستیم .
★ کارخانه های سرمایه داران خود فروخته ای که از سس انتقام مردم گریخته اند ، توسط کارگران اداره شود .
★ و مف کارگران کارخانه ها اعلام میکند :
★ مسازات کارگران سیکار زما زرات کارگران شافل جدا نیست .
شیرزان کارگر هم در صف حرکت میکنند :
★ حق شوری دستمزد برای کارگران زن و مرد ، در برابر کار مساوی .
چهره های کارگران از هجان میدرخشد ، با زمین می کوبند دست میزنند ، کارگران کارخانه های گوناگون (شورای کارگران غارک ، گروه های کارگران لوله سازی ، فالسی باف ، صنعت چاپ ، تکنوکار ، راه آهن ، زوربا دکرچ ، کپازان بونان ، زامیاد ، صنعت نفت ، شرکت پاک پرس ، متوماکه ، اسلام آباد دکرچ ، شرکت ایران ماکروس دویس ، آریا ، مغوا سازی ، برهان ، سندیکای کارگران نکاس تهران ، سیما ری ، وزنه ، کارگران سیکار ، کارگران فعلی ، شورای مؤسس اتحادیه سراسری کارگران ، شورای مؤسس اتحادیه کارگران سیکار پرورزی و ...) همگام و همدا میخوانند :
★ یک زندگی بهتر ، این است شکار کارگر و کارگران آذربایجانی در شامان میگویند :
بهرمانین فان اولاجی کا رگر حقیقتا حب اولاجی کا رگر (هر خونگ کارگرها را خون میشود ، کارگر محب خود خواهد شد) یک بلاکارد با حروف سرخ ، سیا داکارگران شهید جهان چیست و شما می کارگران شهید ، برافراشته شده است ، یادشان گرامی و روانشان با سداور !

قطعنامه راهپیمایی اول ماه مه

خواهران و برادران کا رگر !
شورای هاشنگی برگزار می اول ماه مه گرمترین دروهای خود را در بهار آزادی بمناسبت روز جهانی کارگر به تمام کارگران و زحمتکشان تقدیم میدارد . امیدواریم این روز نقطه عطفی در جهت همبستگی و یگانگی صفوف کارگران و زحمتکشان ایران باشد تا دست در دست یکدیگر با مبارزات یکپارچه ، کلیه عوامل و آثار امپریالیسم ، ارتجاع و بهره کشی فرد از فرد را نابود ساخته ، ایرانی آزاد ، آباد ، مستقل و بدون آزر هر گونه ستم و تبعیض بوجود آوریم .
در هر نقطه از جهان که طبقه کارگر مورد ظلم و ستم قرار بگیرد در هر جا که طبقه کارگر برای زندگی شرافتمندانه مبارزه میکند ، اول ماه مه روز اعتراض جهانی کارگران نسبت به ظلم و بهره کشی و روز جشن برای کارگران از بند رسته جهان میباشد .
در دوران طاقت دیکتاتوری شاه جلا و عوامل فاشدین با ساختن سندیکا های قلابی و سازمانهای فرمایشی سه اصلاح کارگری سمی در ترقه افکنی نمود ما نفع شکل واقعی و مبارزه یکپارچه طبقه کارگر ایران شد ولی این دیکتا - توری خونخوار بهمت ملت مبارز و قهرمان ایران و مبارزات سرافراشته آیت الله خمینی از میان برداشته شد . لذا در این لحظات تاریخی که امکان بیشتری در راه پیوند و همبستگی سراسری برای ما کارگران و زحمتکشان ایران فراهم است ، ضمن تاکید بر ضرورت وحدت کارگران ایران از دولت موقت انقلاب خواهش های ذیل را با قاطعیت تمام خواستاریم :

- ۱- هر چه زودتر کارخانه ها ، بانکها ، موسسات بیمه ، شرکتها ، معادن ، زمینهای سرمایه داران خارجی و شرکای داخلی آنها ملی گردد .
- ۲- کلیه فراردهای نا برابر سیاسی ، اقتصادی و نظامی اسارت بار با کشور های امپریالیستی بخصوص قرار دادهای نفتی باید لغو گردد .
- ۳- اخراج کلیه کارشناسان کشورهای امپریالیستی و جایگزینی متخصصین ایرانی را خواستاریم .
- ۴- صنعتی کردن کشور از طریق ایجاد و توسعه صنایع مادر باید عملی گردد .
- ۵- ضمن محکوم کردن هر نوع تجزیه طلبی ، از حقوق ملی خلفای ایران حمایت کرده و تضمین این حقوق را در قانون اساسی آینده خواستاریم .
- ۶- زمین های مالکان و سرمایه داران بزرگ وابسته به دربار معادله و باید به شورا های دهقانی سپرده شود .
- ۷- ما ضمن پشتیبانی از مبارزات ضد امپریالیستی آیت الله خمینی و آیت الله طالقانی از طرح انقلابی شورا های ابالتی و ولایتی حمایت کرده ، خواستار شرکت فعال تمام طبقات و اقشار در این شورا هایمانیم .
- ۸- طبقه کارگر در انقلاب نقش اساسی و شمیم کننده داشته است لذا مجلس موسسان از نمایندگان کلیه طبقات و اقشار بخصوص طبقه کارگر باید تشکیل شود .
- ۹- قانون اساسی جدید باید مدافع منافع زحمتکشان باشد .
- ۱۰- قوانین کار ضد کارگری فعلی لغو گردد و قانون کار جدید با شرکت نمایندگان واقعی کارگران شامل موارد ذیل باید تهیه شود :
الف- حق کار مطابق شخص و تامین معاش زندگی در دوران بیکاری با ایجاد صندوق بیمه بیکاری .
ب- قانونی بودن حق اعتصاب و اجتماعات کارگری و عدم دخالت نیروهای نظامی و پلیسی در امور کارگری .
ج- ۴۰ ساعت کار در هفته .
د- تعیین حداقل حقوق برابر با مخارج زندگی و افزایش آن متناسب با ازیادای سرام آور قیمتها .
ه- تامین مسکن ، بیمه ، بهداشت رایگان و ممنوعیت در مقابل خطرات و بیماریهای ناشی از کار .
و- حقوق مساوی در برابر کار مساوی برای زنان و مردان .
ز- برابری مرخصی سالیانه کارگران با کارمندان .
ح- تعیین بازنشستگی متناسب با سختی کار و حقوق بازنشستگی با افزایش قیمتها .
ط- اخراج کلیه نیروهای نظامی از محیطهای کارگری .
ی- برسمیت شناختن سندیکا ها ، شورا ها و اتحادیه های واقعی کارگری و انحلال رسمی سندیکا های طاغوتی .
ل- اداره سالنها و تاسیسات کارگری بدست خود کارگران .
ما همبستگی خود را با تمام کارگران و زحمتکشان جهان اعلام میکنیم .

وینلنگو فریاد میزند : آمریکا دشمن اصلی ما است .
اما ما حتی که با دشمن خوشی نمانی از آن آگاه میگردیم مقابل این توده عظیم انسانی ، صف آراشی کرده اند تا فریادهای وحدت طلبانه آنها را بشنوند ، این حقیقت مسلم را که ما فریاد دریا میماند ، تا نایده میگردند ، ما شاعران ما فاق نبود است ... به صف هجوم میآوردند ، نمایش درناکی بها میشود ، در میان این توده ، پیچیده هوجی که خود بدستنی نمیدانند چرا میفرشند ، زحمتکشان سزیمس ما نیز هستند ، که در مقابل برادران خود ، صف میکشند ، کارگری میآید و با داد و فریاد ، رفیقش را از صف بیرون میکشد ، دوکا رگردد مقابل هم میایستند ، کارگر آگاه میکوشد رفیقش را قانع کند که اشتباه میکند ، اما این کارآسانی نیست . چرا که ففا شدت با ثابعت سر تا پای دروغ آلوده شده است ، و محرکین با برآکنده کردن ثابعت برتا پای دروغ ، نیروی علیه این صف عظیم انسانی جمع میکنند ، مضمکه ای درناک بجشها و گفتگوها سخت تفکر انگیز است ، بسوی مشت های گره کرده چهره های درهم رفته ، هفتادی رنگبک ، فریادهای (فد کمو - نیست) ، شوهای بلبللی ، و غنچه های تفریح کنندگان برویم :
- برادر ، اینها چه میگویند ؟ مگر چه میگویند ؟
- هیچی با با ، کمونیستند ، غرابکارند ،
- مگر چه میگویند ؟
- میگویند ، اتحاد ، اتحاد .
- مگر بد است ؟
- نمیدانم ، میگویند بد است .
کارگری سخت غمگین ، فریاد در میآورد .
- برادر ، چرا عمیانی هستی ؟ چه شده ؟
- این کمونیستها ، اخلاص میکنند ...
- از کجا فهمیدی کمونیستند ؟
- معلوم است ... میگویند مرگ بر سرمایه دار .

درو بر کارگران شهید !
درو بر همه شهدای راه آزادی !

ادامه از صفحه اول

خوهران تحقق حقوق ملی خود هستند. کارگران خواهان رفع یکاری و ۰۰۰ می باشند. قطب بندیهای طبقاتی بصورت بازاری ظاهر شده و انتشار و طبقات مختلف هر یک درجهت تحقق خواستههای طبقاتی خود می کوشند.

مسئله عمومی و مشترک یعنی نابودی کامل امپریالیسم و بقایای ارتجاع داخلی که تنها با عمل متحدانه و دوش بدوش و ش خلقها در تمامی عرصه های حیات اجتماعی ممکن است و از جانب سازشکاران و انتشار بینایی انقلاب بدست فراموشی سپرده میشود. بورژوازی لیبرال که اکنون برزینمه ضعیف نیروهای انقلابی برسد قدرت خنثی است. آگاهانه آگاهانه انقلاب را پایان یافته تلقی میکند. اولاشهای بحق خلقها را برای تحقق خواستههایشان اقدامی ضد انقلابی و ناپسند روزدرستی تلقی نموده. به سرکوب آنها ویا دعوتشان به صبر و انتظار می پردازد.

ارتجاع این شرایط را بسیار مناسب بیند و حتی در لباس دوستدار انقلاب چهره کفینش را پنهان ساخته. خود را در صفوف خلق جا مینزد. آنها به تلاشی و تکاپویی دیوانه وار برای جدایی، پراکنده سازی و تشتت صفوف خلقها افتاده اند تا از آب گل آلود ماهی بگیرند.

بدین ترتیب تحلیلات حاس و بسیار مهمی در تاریخ حیات خلقهای ما فرا رسیده است. فخر خواستها و آرمانهای انقلابی خلقها بدون تأمین پیروزی نهایی بر امپریالیسم و ارتجاع زخم خورده و خیالی واهی بیش نیست و برای اینکه ر حفظ و تداوم صفوف شورده و بهم پیوسته خلقها و یکپارچه داشتن قدرت و انرژی انقلابی آنها در این جهت ضروری و حیاتی می باشد. برخورد اصولی و هشییارانسه به مسائل و حل درست و انقلابی آنها در جهت حفظ یکپارچگی و اتحاد عوامل خلقها اهمیت میم و تعیین کننده پیدا نموده است. هرگز نشسته و سهل انگاری در این مورد حتی به اندازه سروشی هم باشد. آب به آسیاب امپریالیسم ریخته و لطمات جبران ناپذیری به رشد و تکامل انقلاب وارد میسازد. در ایمن میان یکی از آن مسائل که با آن می باید آگاهانه و مسئولانه برخورد نمود، موضوع ملیت است و شرط ضروری و مقدم در این مورد پاسخ درست و اصولی به خواستههای ملی خلقهای ایران می باشد.

حالی بینیم چگونه میتوان مسئله ملی را بطریقی اصولی و انقلابی یعنی بطریقی که در جهت منافع اصیل خلقهای ایران و حفظ تداوم و تکامل آنها تا نابودی کامل سلطه و نفوذ امپریالیسم باشد، حل نمود.

حق ملل در تعیین سرنوشت خویش

همه میدانند که رژیم پهلوی در طول سالهای گذشته همیشه و در همه حال خلقها را بجزو تفنگ و سرنیزه به اطاعت اجباری از دولت مرکزی واداشته بود. و در طول این مدت هیچگونه حسی بردهای برای استقلال و مخالفت و تصمیم گیری در مورد مسائل حایم برای خلقها قائل نبود. واضح است که اولیسم اقدام اصولی و انقلابی در این مورد این خواهد بود که با این اسارت و بندگی ظولانی پایان دهم و آزادی و برابری کامل ملل را مستقیماً به یکدیگر تأمین و تضمین نماید. بسمه توده ها امکان دهم آزادانه و با اختیار کامل به تصمیم گیری در تعیین سرنوشت خود پرداخته و حاکم بر امور و سرنوشت خود گردند. آنها در این صورت واقعاً قادر خواهند بود خود را از یوغ اسارت تحقیر و ستم ۵۰ ساله رهائی داده و خلافت و اینک انقلابی خود را رشد و ارتقا دهند.

در این حکومت رژیم پهلوی ما لامل از تعدیات بیشمار و بی وقته نسبت به منافع و غرور ملی خلقهای ایران است. شونیم فارس همیشه و در همه حال حس تحقیر و سرکوبی احساسات و شورش ملی خلقها را دنبال کرده، توهمین های بی شماری در این مورد مرتکب شده است.

خلقهای ایران همواره با منتصب شدن به صفاتی توهمین آمیز تحقیر شده اند. رژیم همیشه سعی میکرد با کوچک ساختن وسعت و نادان نمودن خلقها، بزرگی و عظمت ملی "فارسها" را نشان دهد و توده های مردم را با این روحیه تربیت کند. در این مورد کابیتس بیاد آوریم که چگونه خلق ترک بواسطه "زبان ملی" خود همیشه بیاد تسخر گرفته میشد. کردها بواسطه "سنی بودن" تحت شدیدترین اهانتها قرار داشته اند. ما در نظر گرفتن تمامی تعدیات تحقیر و توهمین هائی که سالها بر اقلیت های ملی رفته است، تأمین و تضمین حق آنها در تعیین سرنوشت خویش تنها وسیله ایست که منافع خلقها را منعکس میکند. حسن

نظرانه و تجزیه طلبانه را که عکس العملی در مقابل شونیم چندین ساله رژیم میباشد، پیر میما زد و سرانجام صفوف خلقهای ایران را در جهت دستیابی به ایران آزاد و دموکراتیک و نابودی کامل سلطه امپریالیسم، متحد، مستحکم و پولادین میسازد.

خود مختاری، نه جدایی

بررسی مجموعه شرایط اقتصادی، سیاسی و فرهنگی و تاریخی که ملت مغروض را احاطه میکند، یگانه کلید حل این مسئله است که چگونه این با آن ملیت خاص باید زندگی خود را ترتیب دهد و شکل های مخصوص تشکیلات آینده خود را معین کند. این امر برسی نخواهد بود، مگر اینکه به بررسی جنبش های ملی و مشخص نمودن خصوصیات معینی که در یک دوره معین تاریخی این ملتها را از سایر خلقها متمایز می کند، دست یازیم.

در یک نگاه به وضع اقتصادی، سیاسی و ۰۰۰ اقلیت های ملی بوضوح میبیند که مناطق که این ملیت ها در آن زندگی میکنند در عقب ماندگی فاحشی نسبت به سایر نقاط کشورمان قرار دارند. این همه نتیجه سیاست غارتگرانه و ارتجاعی امپریالیسم رژیم سرسپرده شاه میباشد. وقتی بعد از سال ۴۲ که رژیم امپریالیستی و (انقلاب سفید) صورت گرفت و ما شاهد رشد و پایگیری مناسبات سرمایه داری و بهیمر آ ن رشد دست و پا شکسته صنایع مونتاژ و گسترش راههای ارتباطی هستیم، ولی در مناطقی که اقلیت های ملی ساکن هستند و حتی همین رژیم ارضی و رشد سرمایه داری وابسته نیز انگاس ناچیزی یافته و حتی در بعضی مناطق هنوز هم مناسبات پوسیده نفوذی کما پیش - مثلا در کردستان - با برجاست و حتی روابط عشیره ای و ایلاتی نیز دیده میشود. از این رو نیز تعداد کارخانجات در این نقاط نسبت به دیگر نقاط کشور بسیار اندک و ترقی یازگانی و راههای ارتباطی و بدنیال آن امکانات رفاهی و آموزشی از قبیل بیمارستانها و آموزشگاهها از بسیار محدود می باشد. اضافه بر تمام اینها اقلیت های ملی از لحاظ فرهنگی نیز تحت فشار و ستم قرار داشته اند. پسو شیدن لباس محلی در محیط های رسمی و آموزش بزرگان مادری علاوه بر اینکه ممنوع بوده، بلکه حتی جرم سیاسی نیز محسوب میشده است. نظامیان بخصوص ژاندارمها که از عناصر غیر بومی انتخاب میشدند، همواره و بطور روزمره به سرکوب هرچه ظالمانه تر و هرچه فاحشی تر خلقها پرداخته اند. مجموعه این عوامل و شرایط نشان میدهد که اقلیت های ملی در یک جدایی نسبی و عقب ماندگی اقتصادی و فقر عظیم آگاهی سیاسی نسبت به ملت فارس سر میبرند و برای حل و رفع این مشکلات و ناراحتیهای بی پایستی با توان و شور انقلابی به کار عظیم بازاری اقتصادی این مناطق مشغول شده، و آن را به صورت یک واحد اقتصادی سیاسی و فرهنگی زنده و یکپارچه تبدیل ساخت. برای اینکه ارتشکلیاتی لازم است که اتحاد سزمین هائی را که اهالی آن، بزبان واحدی صحبت میکنند، عملی سازد. بخصوص اینکه وحدت زبان و تکامل پلامان آن و تحکیم آن در ادبیات مهمترین شرط در رشد مناسبات سرمایه داری و شکلگیری توده های مردم بصورت یک ملت کامل میباشد. حال اینکه این اتحاد چه شکلی بخود بگیرد، بصورت یک واحد مستقل و جدا از سایر مناطق و بصورت خود مختار در چهارچوب ایران آزاد و دموکراتیک در آید، باید که به بررسی تاریخی مشخص موضوع بپردازیم. علاوه بر تمام نتیجه گیریهای جهانی، به مراجعه به کتاب جنبش های ملی در سالهای ۲۵ - ۱۳۲۰ در آذربایجان و کردستان در تأیید کامل این مطلب است که تحقق خواستههای ملی تنها برزینمه نابودی کامل سلطه و نفوذ امپریالیسم ممکن میباشد و فقط و فقط بدین نحو است که خلقها امکان می یابند خود را از چهارچوب تنگ ناسیونالیسم که از طرف بورژوازی و خرده بورژوازی و حتی نفوذالها تبلیغ میشود، خلاصی دهند. چه در غیر این صورت مبارزات تبلیغ کارانه و دلارانه خلقهای ایران در خدمت منافع تجزیه طلبانه و استثمارگرانه نفوذالها و ارتجاع زخم خورده قرار گرفته و خرده های آنان را در ستم ساختن انقلاب کاری میسازد. خلق های ایران به ایران آزاد و دموکراتیک و با ستاد رهبری کننده، به سرکردگی طبقه کارگر نیاز میم و حیاتی دارند. خلقهای ایران به ستاد واحد و مرکزیت قدرتمندی احتیاج دارند که با تحکیم اتحاد و همبستگی خلقها بتواند لشکر عظیم آنها را در جهت نابودی کامل حاکمیت امپریالیسم برانداختن قطعی بقایای مناسبات کهن نفوذالی و عشیره ای و تصفیه کامل و انقلابی دستگاههای دولتی از عناصر خود فروخته و فاسد و ارتجاعی و ساختن ایرانی آزاد و مستقل هدایت کند. جدایی کامل به هیچوجه به نفع خلقهای ایری نبوده، هیچگونه مکنی به تحقق خواستههای ملی، بهیبهی و شرایط زندگی و پایان دادن به ظلم و ستمگری نمی کند.

در مورد واری سیرال چه میسند؟

منافع ملیتهای مختلف ایران نه در جدائی کامل و نه در اطاعت اجباری از مرکزیت که عدداً در دست فارسها قرار دارد، بلکه در چهارچوب یک خود مختاری در حدوده ایران واحد و دموکراتیک عملی است و فقط و فقط ایمن اتحاد است که منافع واقعی خلقها را منعکس میکند. خود مختاری آن شکل مناسبی است که خلقهای ایران در حدوده آن میتوانند خود را بصورت ملت کامل و مستقلی تکامل دهند و سطح آگاهی و فرهنگ خود را بالا برده و با شناخت و بررسی مشکلات خود، هم و پیر توان در راه آبادی و آزادی و ۰۰۰ گام بردارند.

رابطه خود مختاری با مسئله ارضی

کار عظیم آباد سازی و جبران عقب ماندگی های دهشتناک و بالا بردن سطح فرهنگ ملی و ۰۰۰ بدون شرکت وسیع و همه جانبه و فعال توده های مردم این مناطق (مناطق سکونی ملیت ها) و تحکیم اتحاد و همبستگی سراسری خلقهای ایران امکان پذیر نخواهد بود. بعلت بافت روستائی و عقب امکان اکثریت جمعیت این مناطق را توده های دهقانی تشکیل میدهند. جلب وسیع دهقانان در این رابطه اهمیت بسزای و حتی تعیین کننده در انجام وظایف انقلابی دارد و همه می دانیم که مشکل ساختن و جلب دهقانان بدون حل مسئله ارضی، دادن زمین به آنها و لاجرم ریشه کن ساختن مناسبات نفوذالی ممکن نیست. همین جهت واضح است که در شرایط مشخص مسئله ملی در رابطه جدائی ناپذیر و دوش بدوش با مسئله ارضی قرار دارد. حل قاطع و اصولی این مسئله باین بستگی دارد که ما تا چه اندازه به حل مسئله ارضی و مصادر ره اراضی بزرگ و واگذاری آنها به شوراها و دهقانی بها دهم و راه حل خود را وسیعاً بین دهقانها برده و با بسیج و شکل و آموزش سیاسی آنها از یکطرف و جلب اعتماد و همبستگی تمامی خلقهای ایران به پشتیبانی از این موضوع از طرف دیگر، زمین اراضی را بنفع دهقانان تصرف کنیم. این اقدام انقلابی سبب رهائی توده های دهقانی از زیر بار ستم و استثمار شدید نفوذالها و زمین داران بزرگ میگردد و توان انقلابی خلقها را در بنای ایران آزاد و دموکراتیک تا حد زیادی آزاد میسازد. این روش سبب تسطیر و انشای مرتجعین، نفوذالها و اعمال رژیم از صفوف خلق شده، برده از چهره زشت و کثیف آنها میدرد. نفوذالها و عناصر ارتجاعی اکنون پشت شعار خود مختاری ستمگرانه اند و از این شعار در جهت تحقق ایمال و هدفهای تجزیه طلبانه و ارتجاعی خود مبنی بر حفظ مناسبات نفوذالی، فرسب توده های ناآگاه مردم و گرفتن امتیاز از دولت سو استفاده میکنند و زمینه را برای بروز امپریالیسم و انحصار طلبان ساز میکنند تا شعار راستین "خود مختاری ملیتها" را لوٹ کنند. آنها بیشرمانه هیچ حرفی از تنگنای توده ها و دادن زمین به دهقانان و بهبودی وضع زندگی نمیزند و سعی میکنند توده های مردم را با ایده های ناسیونالیستی، فاسد ساخته و وحدت و همبستگی نیروهای انقلابی خلق را خدشه دار کنند. وقتی ما شعار خود مختاری همراه با دادن زمین به دهقانان را مطرح میکنیم و بین توده های مردم میبیم، در حقیقت به رشد ابتکار و خلاقیت انقلابی توده های مردم میکنیم، آنها را در صفوف مستقل خلقی مشکل میکنیم و به آنها امکان می دهیم تا مشت آهنین خود را بر فرق مرتجعین و نفوذالها بکوبند و بین نفوذالها و عناصر ارتجاعی از یک سو و نیروهای خلقی از سوی دیگر، خط کشی مشخص، بواضح ایجاب میکنند.

- بطور خلاصه و منافع تمامی خلقهای ایران ایجاب میکند که:
- ۱ - حق ملل را در تعیین سرنوشت خویش برسیست شناخته و تأمین و تضمین کنیم و خلقهای ایران را به پشتیبانی جدی و دائمی از این شعار دعوت و تحقیر نماییم.
 - ۲ - "خود مختاری همراه با زمین به دهقانان" را با وسعت و انرژی هر چه تاثر به میان خلقها ببریم و لشکر عظیمی از تمامی خلقهای ایران برای نابودی مناسبات کهن نفوذالی و تحقق پیروزی نهایی بر امپریالیسم فراهم کنیم.
 - این است راه حل انقلابی و اصولی در جهت حل مسائل ملیتها که در تطابق کامل با منافع آنها و ماهیت و محتوای انقلاب دمکراتیک خلق میباشد. این است رومیه ای که کسک شایان توجهی به نابودی ارتجاع داخلی میکند و عناصر ارتجاعی و نفوذالها و اعمال رژیم را از صفوف خلق طرد میکند. این است رومیه ای که برابری و برادری کامل ملیتها را به ارمان می آورد و بجای برادری و نفرت در صفوف خلق و زندگی ترم با صلح و همکاری آنها در کارهای بزرگ و کوشش در جهت رفیع ماندگی های ناشی از غارت و جباول امپریالیسم و رژیم سابق را عملی ساخته و تأمین و تضمین می نماید.

اول مه نین

تقریباً سه سال از تبدیل جهان به یک کشور کمونیست میگذشت. در این سالها، کارگران و سربازان در سراسر جهان متحد شدند. امروز در مبادین پتروگراد دوباره بعد از دریا، در جهان نشین انگشت و کارگران همه کشورها در جنگ برای سوسیالیسم متحد شوند. بر فراز سر اهرمان سرما به دار، بر بالای حکومت های فاشیست، ماست خود را بدست کارگران سراسر جهان داده و فریاد میزنیم:

درد بر اول مه
درد بر برادری ملت ها
درد بر انقلاب سوسیالیستی

(لنین)
پروادا شماره ۲۵
۱۸ آوریل (اول مه) ۱۹۱۷
(کلیات آثار - جلد سوم)

اینبار در میان آشفته گی عمومی "میهن پرستی" اولیسن کارگرانی هستند که شعار فراموش شده "کارگران سراسر جهان متحد شوید" را ندا میدهند. در میان غرش انقلاب روسیه کارگران با خترنیز از خواب بیدار میشوند. اعتصابات و نظرات ها در آلمان نظراتها در اتریش و بلقارستان، اعتصابات و اجتماعات در کشورهای سی طرف، آتوب روز افزون در بریتانیا و فرانسه، برادری نوده ای در جبهه های جنگ، اینها هستند اولین ندا های انقلاب سوسیالیستی که در حال جوشش است. و این روزی را که ما جشن میگیریم، این اول مه است. آتیا نشانه آن نیست که در میان جاری شدن خونها بیما - نه ای جدید برادری در میان مردم بسته میشود؟

بناظر در اهتزاز در آمدن مجدد پرچم سوسیالیستی در آلمان اروپا، خاک در زیر پای اهرمان سرما به - دار ملتهبات است. پس بگذار در این اول مه هنگامیکه صد ها هزار کارگر پتروگراد دست برادری بسوی کارگران جهان میدهند توله جدی ترین بین الملل انقلابی باشد!

مذهب و تبلیغات ضد کمونیستی

استقرار تدریجی بوزروای لبرال و حتی وابسته در سبتم قدرت، دامنه رادیکالیزم رهبری را که جنبه ای از دوگانگی آن است، پاشین آورده و آنرا روز به روز به مواضع بوزروای- لبرال در برخورد به امپریالیسم و... وقتی این امر را در کنار جنبه ای دیگر از آن دوگانگی یعنی خصلت ضد کمونیستی آن مورد توجه قرار دهیم، بیسی به اهمیت خطری که جنبش ما را تهدید می کند، نخواهیم برد. در واقع جریانهای ارتجاعی بی سیلیسجامه تاری مد روز مواضع خورده بوزروای انقلابی را از درون تفسیر کرده ما تقویت خصلتهای ضد کمونیستی از یکطرف و تضعیف مواضع رادیکالی و دمکراتیک آن از طرف دیگر، رهبری راتا حد در غلطیدن به دامان امپریالیسم و ارتجاع واپس می کند. بدیهی است، که این مواضع ضد کمونیستی که بحسب تعادلهای مارکسیسم و اسلام، معرفی میشود، ناشی از تئوری است که مواضع محافظه کارانه خرد بوزروای لبرال را با بزمها با برنایه های رادیکال و انقلابی کمونیستها از سوی دیگر موجود است. چنانچه شاهدیم آنجا که بخشی از نیروهای انقلابی جناح مذهبی نیز که برنایه ها خواست های رادیکالی را مطرح می کنند، از طرف نیروهای ارتجاعی انگ کمونیست خورده و مجبور می شوند تا از موضعی دفاعی به اعلام مجدد اصول عقیدتی خود بپردازند. وقتی جریان غالب خورده بوزروای با همه تنگ نظریها - شی که دارد از پرولتاریا و کمونیستها - که رادیکالترین و پیچیدترین نیروی اجتماعی در مقابل امپریالیسم و ارتجاعند دور بشود، وقتی جریانهای دمکرات مذهبی با جریانهای ارتجاعی که هم اکنون بسوی قدرت خیزده اند - مسز - بندی نکند، وقتی رهبری از شعارها و برنایه های پرولتاریا و کمونیستها - جمهوری دمکراتیک خلق - که انعکاس منافع راستین توده های زحمتکش است، هر چه بیشتر فاصله بگیرد، تردیدی نیست که جای خود را، نه چندان دیر، در کنار بوزروای لبرال خواهد یافت. تزوار افکار و سانسور عقاید - حمله به دفاتر انقلابیون و دستگیری و حتی شکنجه کمونیست و در عین حال سکوت تایید آمیز دولت در قبال اینگونه اعمال فاشیستی، همه و همه جلوه های بارز آشکار دشمنی تاریخی بوزروای و ارتجاع با کمونیستها است. این مواضع ضد دمکراتیک چنانچه با کار و کوشش مستمر و بر حوصله کمونیستها و هم چنین نیروهای دمکرات، افشا و طرد نگردد، چه بسا که دستاوردهای انقلابیون و ناتمام ما را که در مقابله با سبهای که بدان پرداخته ایم، بسیار رانجیز است در معرض نابودی قرار دهد. اینها هستند کیفی ضد کمونیسم آتم زمانیکه هنوز امپریالیسم زخم خورده و عوامل

مزدور و بطور مستمر در تدارک توطئه چینی و بند و بستهای ضد خلقی است، تأسیس بار و فاجعه آمیز است. چنانکه گفتیم، موضع محافظه کارانه و در عین حال انحصار طلبانه رهبری از جمله عوامل دیگری است که زمینه مساعدی جهت اشاعه تبلیغات و تحریکات ضد کمونیستی را فراهم نموده است. این موضع که طی دوران پرتلاطم انقلاب برای فراهم نمودن اطمینان خاطر امپریالیسم از اینکه "خطر کمونیسم" وجود ندارد، و بنابراین امریکا نباید از شاه پشتیبانی کند، با سرسختی دنبال میشده (که البته در موضع گیری امریکا نسبت به ایران کاملاً تأثیر داشت) بعد از سقوط شاه نه تنها ادامه یافت، بلکه به مراتب ابعاد وسیعتری بخود گرفت، تا جاییکه هم اکنون روزی نیست که در گوشه ای از کشور شاهد تهاجم آفسار گسیخته ارتجاع به نیروهای انقلابی و پیوسته کمونیست ها نباشیم. سکوت بی اعتنائی دولت در مقابل اینگونه اعمال ضد انسانی سیاست تحریک آمیز و تروپرداز رادیکالیزم - آنچنان محیطی ایجاد کرده که عوامل ارتجاع و مزدوران امپریالیسم براضی با توطئه چینی ها و به بازی گرفتن احساسات مذهبی خیل ناگاهان، آنها را برای هجوم به روزنامه ها و دفاتر انقلابیون و همچنین اجتماعات کارگری بسیج می کند. جلوه های این موضعگیریهایی بسیار نادرست و فاجعه بار را در لوت کردن مبارزات در رخشان کمونیستها، در سرسختی دشمن بر مبارزات آنان و حتی به فراموشی سپردن نام شهیدای قهرمانی که سالها در بدترین شرایط دیکتاتوری و غفغان (در شرایطی که انقلابیون، در آتش آمیز سنگ سلطنتت مشروطه بر سر نه میزدند و با در فرنگستان دوره تخصصی مبارزه با رژیم می دیدند، در راه رهایی زحمتکشان به پیشگامه خلق تقدیم نموده اند، می بینیم. و این نمی تواند ماسه تاسف و اندوه کسانی که دل در گرو آزادی و استقلال خلقها دارند، نباشد. و بالاخره تردیدی نیست که انحرافات و اشتباهات نسبتاً بزرگی که در گذشته و حتی حال در جنبش کمونیستی چه در سطح بین المللی و چه در کشور ما بروز نموده است، تأثیرات نه چندان کم اهمیتی بر جامعه ما بجای گذاشته است که بنوع خود خوراک تبلیغات ضد کمونیستی را برای امپریالیسم و ارتجاع فراهم نموده است. در این سالیان به خصوص خیانت پارو دسته ریزینویست حزب توده و مواضع خائنانه ای که در موارد مختلف در طول چندین دهه تصویر ناظمی از خود بعنوان کمونیسم و کمونیستها در ذهن توده های بجای گذاشته، لطمه بزرگی بر حیثیت کمونیستها وارد ساخته است. علاوه بر آن چپ رویها و انحرافاتیکه در جریان تحولات درونی سازمان مجاهدین خلق ایران بروز نمود، هر چند در ادبایر محد - و به سلسله سازمان روشنفکر صورت گرفت و جنبه ای توده ای ندا - شد، لکن تأثیرات سوئی در این زمینه بر جای گذاشت و ذهن توده ها و نیروهای انقلابی مذهبی را نسبت به اندیشه و عمل کمونیستی شوب نمود و بنوع خود باعث تفرقه و افتراق نیروهای انقلابی شد. بهر حال عملکرد نادرست و انحرافی کمونیستها بهر دلیل که باشد، می تواند زمینه های مناسبی برای تبلیغات عنان گسیخته ضد کمونیستی بوجود آورد. ولی در عین حال بسیار ساده - لوحانه خواهد بود که اگر گمان کنیم که اینگونه تبلیغات صرفاً و یا حتی بطور عمده عکس العمل اشتباهات و انحرافات برخی جریانهای کمونیستی بوده است.

دهها سال است که امپریالیستها و عمالشان، بخاطر حفظ و گسترش سلطه یازگانه خود، کمونیسم و کمونیستها را آماج حملات خود قرار داده و به تبلیغات گسترده ای بر علیه آنها نه تنها در ایران بلکه در سراسر جهان پرداخته اند. و در این راه هر آنچه را که بتوانند بخدمت مقاصد پلید خود گرفته و می گویند، تا کمونیستها را که جز مسخران و تروپردازان و ناپوده کامل بساط جهان نخواور - نشان و استقرار جامعه ای آزاد و عالی از هرگونه ستم و استثمار هدف دیگری را دنبال نمی کنند، بی اعتبار سازند. هیولایی که اپتان با درو پردازهای خود از کمونیستها ساخته اند با توجه به عامل مذهب در جامعه ما که بحمل شخصی تاریخی ریشه های عمیقی در فرهنگ و اعتقادات اکثریت توده های خلق دارد، توانسته است به اعتبار آتیبندگی تاریخی و فرهنگی کشورهای اسلامی نظیر کشور ما اثرات شخصی بر جای بگذارد. تا آنجا که هم اکنون جریانهای وابسته به اقشار متوسط مذهبی را تا حدود نسبتاً زیادی به موضعگیری علیه کمونیستها کشانده است. امپریالیسم و ارتجاع علاوه در مبارزه بر علیه کمونیسم و کمونیستها نیز مدافعان از مذهب توده ها وارد شده و سعی دارد که اساسی ترین آرمانهای کمونیستها را که همانا سوسیالیسم و استقرار جامعه بی طبقه و نفی استثمار و مالکیت خصوصی است، زیرهاله ای از تحریفات و جعلیات بپوشاند. اینان کوشیده اند کمونیستها را که خصم آتشی ناپذیر جهان خواری و غارتگری های امپریالیسم و ارتجاع اند، کسانی معرفی کنند که گویا دشمن عقابند و ستم مردم بوده و می خواهند به جنگ مذهب و ایمان مردم بپردازند! آتیانام کوشششان صرف بی اعتبار ساختن و دورنگ - داشتن ایده های نجات بخش کمونیسم و کمونیستها از توده های زحمتکش می شود. بی جا دار برنایه ها و مواضع رادیکال و انقلابی کمونیستها بدرون کارگران و توده ها راه یافته و بساط غارتگری هایشان را جاروب کند. نتا - سفاهت باید گفت که موفقیتهایی نیز در این راه بدست آورده اند. لیکن بطور خاص در جامعه ما عوامل دیگری نیز بجز تحریکات و تبلیغات همیشگی امپریالیستها وجود دارد که زمینه مساعدی برایشان فراهم می نماید. مهم ترین این عوامل عبارتند از: رخنه و نفوذ ارتجاع در ارگانهای حکومتی تحت پوشش مذهب و عدم مرز بندی آشکار و عمومی نیروهای مذهبی و روحانیت مرتقی با این سالیان ریاکار، و مواضع محافظه کارانه و انحصار طلبانه رهبری و بالاخره اشتباهات و انحرافاتیکه در درون جنبش کمونیستی بروز کرده و بخودی خود زمینه مناسبی برای حملات ضد کمونیستی ایجاد کرده است. روی این عوامل اندکی مکت می کنیم. واضح است که جریانهای مذهبی یکدست نبوده و طیفی از جریانهای مختلف از رادیکالترین بخش آن گرفته تا راست ترین بخش آن که ماهیتاً بوزروای لبرالی و یا حتی فئودال - بوزروای است، را شامل می شود. گویا که این مواضع دوگانه رهبری است که هم اکنون بر جریانهای دیگر سلطه (هژمونی) دارد. ولی بطور قطع می توان گفت که همه نیروهای مستقیم و غیر مستقیم و ظاهراً همگی تحت این پرچم بمیدان آمده اند. مواضعشان منطبق بر مواضع رهبری نبوده و برخی از آنها دقیقاً مواضع راست و ارتجاعی دارند. رسوخ این جریانهای ارتجاعی همسرا به

بخش رکنی کمیته مرکزی خائن ضرب توده ۲



فستیوالی از پیام سازمان بناست ساز و سازشاد مجابه شیر شریف واقفی

روز ۱۶ اردیبهشت ماه اسامی چهارمین سا...
لکود شهادت محمدا شهید شریف واقفی است. ما
خاطره این مجاهد راه حق را گرامی می‌مداریم.
مجاهد شهید شریف واقفی قربانی یک عمل
ابورتوتیستی و شروریتستند. عاملین این اقدام
عدانقلابی از آنجا که درک ناصح و انحرافی از
حل نفاذهای درون خلقی داشتند اختلاف و تضاد را
را که با برخورداری انقلابی و به طریق سالنست
آمز قابل حل بود به آنتاگونیم کشادند.
... این اقدام و این چنین روشهایی به حسب
از جانب نیروهای انقلابی خلق محکوم بوده و هست
اما باید توجه کرد که چه در گذشته و چه در حال
حاضر استفاده تبلیغاتی و عوام فریبی در مورد
اقداماتی نظیر این مورد، درست از جانب کسانی
صورت گرفته و میگرد که سبای لازم را به مبارزه
با امپریالیسم نمی دهند و تلاش میکنند خلقها را
از مسیر مبارزه، فدا میریالیستی و دمکراتیک
خود، منحرف ساخته و آنها را به راههایی که منتهی
فع آزمندان شان را که در تحلیل نهایی جز
در خدمت امپریالیسم و ارتجاعی رژیمگیرنده می کشانند
... آنها بظاهر در مورد چنین اقداماتی سرور
مدا راه می اندازند ولی در عمل خود (امپریالیسم و ارتجاع)
همان راه انحرافی و ابورتوتیستی ای را می
این اعمال را نه از دیدگاه که اختلافات
درون خلقی را بامیتی همانطور که مارکسیست-
لنینیستها و کلبه دمکرات انقلابی (امم
از مذهبی و غیر مذهبی) معتقدند، از طریق
بحث و مبارزه سیاسی، ایدئولوژیک، حل کرد
بلکه برعکس برای دامن زدن به اختلافات درون
خلقی و مرامی و ملکی برای منحرف کردن ذهن
توده ها از دشمن اصلی خود (امپریالیسم و ارتجاع)
استفاده میکنند و اشتباه و انحرافی را که خود
بظاهر آنها محکوم میکنند، آگاهانه و از روی
غرض با آگاهانه تکرار می نمایند...

دهی کاملا متفاوت از دیدگاه توده ها و نیروهای خلق که
دیگر اولانقوش شاه را حتمی میدانند و تا نیا خلق مدتها
بود با نحا، گوناگون به مبارزه، مسلحانه روی آورده بود
و مغاقت سبب از این در مقابل خواست خلق ممکن نبود.
مغایا اینکه مناسرا از مبارزات خلق عناصر با شین حزب
نیز رهبری را برای اخذ موضع مثبت در مورد مبارزه
مسلحانه تحت فشار شدیدگدا رده بودند.
حزب توده در جریان انقلاب به تایید شخصیت و جریانی
برداخت که در پانزدهم خرداد ۴۴ در مقام سه بار زیم شاه
خائن جروجبه ارتجاع محسوب کرده بود، ولی اینها را از
آنجا که اوضاع آسیا تغییر کرده بود و تا شین ترازوی
قدرت بنحو محسوسی تبعی آیت الله خمینی تبعی برافشاده
بود، برای حزب توده که سیاستش خریدن سوی قدرت بهر
نحو است، طبیعی بود که به تایید و تمجید نیروهای
مذهبی و آیت الله خمینی بپردازد. وحشی این تایید و تمجید
به نطق و چاپلوسی ارتجاع!!! باید. این ساله بعد از
قیام شکوه دهمین ماه شد بیشتر بخود میگردد بطوریکه
در روز کارگر حتی به شعارهای مذهبی روی می آورد. بدین
ترتیب است که کلیه سیاست های درست و نادرست قدرت
مسلط و حاکم بر جامعه یک جا مورد تائید و تبلیغ قرار
میگیرد. حزب توده اندر فوائد مذهب، اسلام سخن سرایی
میپردازد! در مورد عدم وجود تفاوت های اساسی بین
اسلام و مارکسیسم فتوا میدهد! ... و خلاصه میگویند
شد بهر طریق دنیا له روی و "حسن نیت خود را به
رهبری انقلاب به ترسانان خود، این همین رو هم مستحلا
وقتی آیت الله خمینی کمونیست ها را بنا برست میبرد
شهامت قرار میدهد، این جریان سیاست کرملین در همین
ما نیز همبستر و از حملات خود به نیروهای کمونیستی
تلویحا و آشکارا شد می باشد تا خود را همدا با قدرت
مسلط جامعه نشان دهد. با وقتی مسئله فرزندخوانده
با تپیش میاید با ریاکاری و چاپلوسی تمام تلاش میکند
شبه غیر دموکراتیک و ناصح رفرا ند را برای
آگاهان، دموکراتیک و صحیح جلوه دهد در حالیکه بگفته
خودشان محتوای جمهوری اسلامی برایشان روشن نیست بدان
راه ۴ مقاله "ما و رفرا ند" اوج مسلفه و مغلطه را
مشاهده کنید.

اما اینکه چرا سیاست و متی حزب توده اینگونه است باید
درما هیت و رویزوتیستی ووا سبکتی یا شورویست محکوم کرد. ما
فوعی که در آینده مورد بحث ما قرار خواهد گرفت.

در شماره قبل، در رابطه با هیئت ناجوانردانه
و خائنه ای که "مردم" ارگان مرکزی حزب توده به
بازمان ما زده است، مطالبی نگاشتم که البته تا تمام
مانند در اینجا آنرا ادامه میدهم:
رهبران حزب توده در حالیکه در یک جا ("مردم"
شماره ۶ - فروردین ۸۸) برای کسانی که از ما هیئت
واقفان بی سیرند، و در جهت نشان دادن چهسره و
وجهه ای انقلابی و راستین از خود، چنین میگویند:
"حزب توده ایران حزب مسئولی است و روزنامه ما نمیتوان
ارگان مرکزی این حزب هرگز به خود اجازه نمیدهد که به
کسی - ... نسبت نادرست بدهد. ما در سی و هفت سال
زندگی سیاسی خود میلیون ها هیئت و اهانت شنیده ایم
ولی هرگز به هیچکس اتهام ناروا نزنده ایم" ولی در
جای دیگر، آنگاه که با پای منافع خود اربابش در میان
است، ادعای ریاکارانه و موزراته خود را "فرا سوت"
میکند و نفس را بر او می تازد و دیگران را می
دارند و چنین است که ما و بسیاری از مارکسیست ها را
بسیار موبذانه (با هدف تفسیر حزب توده ای) و بدون
ارائه کوچکترین مدرک و دلیلی به برتحمین و جاسوسان
منتسب میکنند. و بدین ترتیب نه تنها هیئت ناجوانرد-
دانه و بی سیرانه ی انقلابیون را استین میرسد، بلکه با
بی شرمی تمام، فخرآندگان روزنامه و نا آگاه خود
را نیز موبذانه و ریشخند فرار میدهد.
اما راستی چرا حزب توده به چنین تکتیکهایی تمسک
میجوید؟ گمانیکه با "تکتیکات نهوان" شان فریاد توان -
فریاد جفتمش انقلابی و کمونیست میماند و آرد آوردند
کسانی که خود را با نا سنا دمکراتیک از خودی بسودن
عصری از رهبری آنان یاد میکنند (جزوا سنا بدست آمده
توسط دانشوران ما را در خارج از کشور از مرکز ما واک در
زند) ، چنین کسانی چگونه است که به هیئت میگویند هیئت
دیگران را لکه دار کند؟ واقعا چرا اینان اینگونه عمل
میکند و چنین شیوه های نامردمی را پیشه می سازند؟ چرا
برای اینکه این واسا سیاست و متی حزب توده نه در جهت
استفای حقوق خلقهای ایران، نه در پناحکوشی بخواسته
و منافع کارگران و دیگر زحمتکشان، بلکه صرفا بطاظر
تردیگ شدن هرچه بیشتر قدرت و سوا زکردن جای پای
ارباب خود است که بهر وسیله ای دست میبازند. آری هدف
قدرت است و در منطق ما کبیا ولیستی اینها، راه چگونگی حصول
باین هدف مطرح نیست. او زمین و می خیزد بسوی هدف
(قدرت) وسیله را توچیه میکند، حال این وسیله هرچه می
خواهد باشد. این چیزی است که حزب توده در طول حیات خود
بارها با کرده است و رفتار خود (برآچه گذشته و آنرا نشان
داده است، و اگرچه از کارگرفت چنین روشهایی بسرای
دستیابی به مقصد بهره ای نهفته و هر با ریا شکست و رسوائی هم-
آغوش بوده است لکن پای از این طریق ما زین نکتشیده
(بدلیل ماهیت) و این راه می را تمام راهی میکند. شرکت
در کابینه قوام و تحصیل چند کرسی وزارت با آن عاقبت معوی-
فتن از جمله برچسته ترین نمونه های متی و سیاست فرست
طلبانه و رویزوتیستی این مباحث است. ارتجاعی خوانشدن
قیام خونین و مردمی ۱۵ خرداد ۴۴ و نطق و سوا زگوشی
به مبارزان جان برکفی که با دست خالی در برابر گیسار
مسلطه ندای آزادی و آزادی و فریاد مردم بر شاه راسر
داده بودند و در عوض مدعی "نکات مثبت" املاحات تا هانه
از دیگر عملکردهای حزب توده میباشد که در عین حال
منطق بر سیاست و خواست اربابش فرار دارد. تبلیغ نشوری
های سازگارانه و چشم امید داشتن به رژیم شاه بسرای
بازی گرفتن اینان، و پس از پیجامل با فتن این انتظار
نگاه خود را به جناح "دوران دین" هیئت حاکمه دوختن و سه
مید عمیق شدن نفاذهای درونی هیئت حاکمه مزدور سابق
وزشاری کردن) برای استفاده از این نفاذها، درجهت
خافع گروهی و ارباب، ادامه منطقی سیاست حزب توده
است که در دوران بعد از قیام با نردهم خرداد تا چندی قبل
زا و چگونگی مبارزات توده ای خلقهای ما تا دم داشت. حزب
توده همچنین در زمانیکه تمام خلقهای ما یکبارچه شمار
ونگوشی رژیم وابسته با امپریالیسم شاه خائن را سوسی -
اند، میا ز به با دیکتاتوری شاه، را مطرح مینمودند با د
رو ن غلط دیکتاتوری از دات و ما هیت وابستگی رژیم-
نخور پهلوی با امپریالیسم، میگویند تا جنبش خلق را سه
براه بگند. اینان در زمانیکه تمام گروهها و سازمانهای
نقلابی (مارکسیستی و غیر مارکسیستی) راه قهر و مبارزه
مسلحانه را برای سرنگونی رژیم شاه تبلیغ و ترویج می
رند، راههای مسالمت جویانه و رفرا میستی را مطرح مینمودند
در صحت برقراری دمکراسی آسیا میری نغمه ها یکله امیز
رمیادند. و توشا هنگا می شمار به روزه مسلحانه را مطمح
فر فرار دادند (آنهم اربابها می عمیقاً فرمت طلبانه و سوا

سربازان پادگان خرم آباد و خواتر توفیق و مجازات فرماندهان ضد خلقی می باشند.

سربازان پادگان خرم آباد (تپ مستقل ۸) نسبت به رفتار فرماندهان این پادگان شکایت کردند و می گویند
"کم کم همان رولوطی که در زمان شاه خائن در پادگان برقرار بود، دارد دوباره زیر نام اسلام و امام خمینی اجرا
می شود."
چندی پیش سربازان به کمیته امام در خرم آباد می روند و از رفتار فرماندهان ارتش شکایت می کنند و لوسی
کمیته به جای رسیدگی به این مسئله پاسخ می دهد تمام فرماندهان برگزیده امام هستند، اگر شما مسلحانه باید
آنها را قبول کنید. آن کسانی که شما را تحریک می کنند تا شکایت کنید، کمونیست هستند و غیره...
سربازان می گویند که ما می خواهیم راجع به موقعیت سیاسی و اجتماعی، فرماندهان و نیز سابقه مجازاتی آنها
اطلاع کامل داشته باشیم. مثلا در مورد سرهنگ قنادان که حالا فرمانده تپ ۸ است، شنیده ایم که قبلا در سر-
کشی جنش مردم مبارز گران بر علیه رژیم شاه خائن، دخالت داشته و احتمالا فرمانده سابق لشکر بجنورد بوده، با
سرهنگ پرا احمدی که حالا معاون سرهنگ قنادان است به شهادت کلیه سربازان، موقع فرار شاه از ایران، گریه
می کرده و بسیار ناراحت بوده است.
سربازان همینطور نسبت به انتقائیات شورای پادگان هم اعتراض دارند، آنها می گویند که خو رای و نقره پادگان
کاملا فرمایشی است و اصلا انتقائاتی انجام نشده است و ما نمی دانیم که اصلا نماینده ای از جانب خودمان در شور-
را داریم یا نه "و ترکیب شورای هم نادرست است و ههائ درجه داران هستند و نمایندگان واقعی ما در شورای شرکت
ندارند. مثلا یکی از اعضای شورای ه نقره سرهنگ فرمنش است که سابقا باز پرس ضد اطلاعات ارتش شاه بود.
قرار بود که روز شنبه ۸/۱/۸۸ ه سربازان برای اعتراض به طرز رفتار فرماندهان با صلح انقلابی فعلی که
در واقع همان ارتش سابق شاه هستند جمع شوند. نزد فرمانده تپ "سرهنگ قنادان" برتند. یکی از
سربازان می گند: "در جهان کتکار خلق مبارز کردستان - توسط ارتش ضد خلقی - در اولین شب کتکار مردم خرم-
آباد، فرمانده تپ که که سر تپ آتری بود به سه مسا دستگیر تیواند از ای داد. البته عده زیادی از ما، از انجام
عمل خود داری کردیم و فقط عده ای از سربازان نا آگاه در جریان کتکار شرکت کردند. سپس بر اثر اعتراض سرباز-
ان پادگان دولت مجبور گشت که او را عوض کنند. اما، حالا شنیده ایم که او فرمانده غریب گشته است.
سرتپ آتری شش ماه پیش رتبه گرفته است او قبلا با درجه" سرهنگی در جریان کتکار خلق ظفار شرکت داشت.
چنانچه در روزنامه نامش شماره ۴ صفحه ۸ سربازی به اسم محمد - که در خرداد ماه ۳۰ ه ظفار بریده شده بود در
پاسخ به خبرنگار این روزنامه گند: (.... ما پدافند...) حالا شنیده ایم که او فرمانده غریب گشته است.
به همین دلیل چیزی نمی دانستیم فقط شنیده بودیم که شاه به سرهنگی بنام "سرهنگ آتری" گند "اختار تمام
داری هرکاری که می خواهی بکنی". این سرهنگ آتری همان کسی هست که جاده سرخ را از چریکها پس
گرفت (حالا این جاده با اسم سرهنگ آتری نامیده می شود.
یکی از دیگران از سربازان در مورد سرتپ آتری گند: او در ایجاد جنگ روانی و کتکار مردم دست داشت و پس
از وقایع اخیر خرم آباد، جوانان این شهر قصد داشتند او را بخاطر کتکار و جناحش اعدام انقلابی کنند.

تاریخ گزارش ۸/۱/۸۸

وگربز نابرابر ، بدست ما مورین جانتیکار رهنسادت رسید .

گرامی باد خاطره همه شهدای راه آزادی و استقلال

توضیح

اخیرا جزوای بنام " چگونه ما از سازمان بینکار ... روی برگرداندیم " با امفای " رزمندگان رهائی خلق " منتشر شده که در آن ادعا شده که گروه " فوق " ... قبلا از گروه های سمپا نیزان وابسته سه سازمان بینکار ... بوده است . بدین وسیله مسأله هرنوع وابستگی تشکلاتی چنین گروهی را بخود (و بالطبع جدا شستنوا) تکذیب میکنیم .

دوستانش شور و صفا و صداقت کم نظیرا و رابخا طردارند . او از عصار پهنشور و ما رکسیت نشینیمت جشنش تا نش جوشی بود که مورد اعتماد و احترام دانشجویان قرار داشت . رفیق چندماه قبل از مخفی شدن فعالیت علنی خود را در رابطه با جریان بخش مشعب سازمانها هدیس آغاز کرد و در اثناء ۵۴ مخفی شد و شام نیروی خلق و استعداد خود را در راه آرمان خلق نهاد . او در تشکلات نیز عمری برجسته و کارآمد بود . هر چند عمر تشکلاتی او کوتاه بود ، ولی در همین مدت کم او توانست قدم های متعددی در راه خدمت بمنافع رزمندگان بردارد . رفیق فرجاد عمده فعالیت مخفی خود را در شاخه مشهد انجام میداد . در بهار ۵۵ رفیق حین تخلیه بسک انبار تشکلاتی توسط مزدوران ساواک شناسائی شد . او پس از یک دورگیری طولانی که حدود ۶ کیلومتر مسیرا در بر می گرفت ، با رشادت و روحیه انقلابی کم نظیر با مزدوران رژیم جنایتکار روبرو شد و در ضمن این جنگ

گرامی باد یاد رفیق شهید مادی فرجاد زینک (سعید)



دوازدهم اردیبهشت سال معاد بود با سومین سالگرد شهادت رفیق شهید فرجاد بزینک (سعید) . رفیق فرجاد یکی از فرزندان راستین خلق و نمو نهای از انقلابیون صدیق و پرشور بود که در سالهای سیاه گذشته جان برکف در مقابل رژیم سرمایه داری وابسته قذفم کرد . و خوشش در راه آرمان خلق بس زمین ریخت . رفیق فرجاد فارغ التحصیل دانشکده اقتصاد

ری دیگر در مقابل خواستهای برحق و عادلانه آنان خواهد ایستاد . خلقهای عرب و از جمله خلق فلسطین نمیتوانند به پیروزی دست یابند مگر اینکه مبارزه ضدا بر با- لیستی خود را به مبارزه علیه طبقات تاراجی و حاکم کورهای عربی نیز پیوند زنند . دشمنان انقلاب خلق فلسطین و دیگر خلقهای عرب امپریالیسم صهیونیسم و مترجمین عرب هستند .

خلق فلسطین هر چه جلوتر میرود به این مهم بیشتر میرسد که آری باید انقلاب کرد و جنگ تا مین فلسطین و کلیه سرزمینهای اشغال شده توسط صهیونیستها آزاد گردند . ولی این انقلاب تنها نمی تواند توسط خلق فلسطین صورت پذیرد . دشمنان خلقهای عرب مشترک هستند و انقلاب فلسطین جزئی از کل انقلاب عرب بشمار می آید . هدفین ترتیب جدا نیست و خلق فلسطین در هم گامی ، رزمند و پیگیری دیگر خلقهای عرب است که میتواند به پیروزی نهائی دست یابد و در این راه پر شکوه ، مسلما از پشتیبانی قاطع دیگر خلقهای مستعبد به جهان چون خلقهای ایران برخوردار خواهد بود .

کشایش سفارت فلسطین در ایران و فراهم آوردن امکاناتی که بنام مشترک خلقهای فلسطین و ایران خدمت میکند توسط " دولت موقت " هینطور حکم نمودن توطئه های امپریالیسم آمریکا و صهیونیسم و سادات توسط آیت الله خمینی و رهبر جمهوری اسلامی ایران و اقدام انقلابی قطع رابطه با دولت خیانت پیشه سادات با تصیم ایشان که بحق مور دیشتیانی خلقهای ما و نیروهای انقلابی است ، از جمله آرزوهای و خواستهای خلق ما است که صورت تحقق بخود گرفتار است . و خلق ما خواهان حمایت همه جانبیاز جنبش انقلابی خلق فلسطین است .

حقوق خلق فلسطین و ... هیچ جایی در محاسبات بورژوازی کبیرا دورک حول منفعت بیشتر بهر طریبق و با هر وسیله دور میزند . ندارد . این " پیمان صلح " خیانتکارانه نه همچین به حضور امپریالیسم آمریکا در منطقه بعد و بیژماید داده و به " اسرائیل " متجاوز که سالها یک میلیارد دلار کمک نظامی از آمریکا دریافت میدارد اجازه میدهد تا بعنوان یک پایگاه تاجا

وزی حرکت وسیعتری کند و در این راه و بد نبال سقوط رژیم مغرور شاه سابق رژیم سرسپرده سادات بر- پایه این قرار داد ، در کنار اسرا- کیل ، بخشی از وظایف رژیم سابق شده شاه را انجام میدهد . و در راه منافع ظوارگان بانکی در سطح منطقه فعالانه عمل مینماید و در همین رابطه است که ما اکنون سر- بازان رژیم صحر را بجای ارتش مز- دور شاه در ظفار می بینیم . آری نقش امپریالیستها و صهیونیستهای جانی ، این- دشمنان غدار انقلاب فلسطین و دیگر خلقهای عرب هرگز نباید و نمیتواند نقش ارتجاع عرب را مکتوم نگاهدارد . اینان آنزمان که امکا- ن میافتند به فریبکاری دست زده و آن زمان که منافع ارتجاع و امپر- یالیسم توسط جنبش مردم به خطر افتاده به فتنه انگیزی ، توطئه و تهاجمات سرکوبگرانه روی آورده اند تاریخ مبارزات مردم فلسطین بخو- بی این امر را ثابت میکند . یک زمان ملک حسین جلا د ، زمسان دیگر اسد مترجع و امروز سادات خا- کن با پشتیبانی بی دریغ رژیمهای مزجع سلطان نشین عمان ، سودان مغرب و عربستان سعودی (صوبیزه این آخری که وزیر بروز و ظاسف بیشتری از طرف امپریالیسم آمریکا به او احاله میشود) و فردا مزد و

خاطر اسرائیل از جنوب غربی آسیا سوده شود ، نتجتا نیروهای متجاوز صهیونیست بتوانند با امکانات بیشتر و آزادی عمل وسیعتری در مرزهای شرقی و شمالی به تها- جم خود ادامه داده و چه بسا سرزمینهای دیگری را نیز به تصرف در آورند و حلات نظامی خود را علیه انقلاب فلسطین متمرکز تر بنمایند . بر مبنای قرار داد " صلح " مزبور ، قوای اسرائیل در صحرای

سینا بتد ریح عقب نشسته و بد نبال آن پایگاههای " مراقبت " نظامی آمریکائی مستقر میشوند و هفت ماه پرمز قرار داد به این شرط جا- های نفت سینا به صحر واگذاری شود که قسمتی از احتیاجات نفتی اسرائیل بطور همیشگی توسط صحر بر آورده شود و بعلاوه صحر موظف است تا مناسبات اقتصاد کی مسترده با اسرائیل بر قرار نموده و بر پایه آن کالاها و فراورده های " اسرا- کیل " به نحو وسیع در بازارهای صحر به فروش رود .

بورژوازی کبیرا در صحر که در حال حاضر مظهر و نمایند ه اش سادات خیانت پیشه است از طرفی به دلیل ضعف ذاتی اش توان با- رایش و مقابله با دولت صهیونیستی اسرائیل که از حمایت کامل امپر- یالیسم آمریکا بر خوردار است را ندارد و از طرف دیگر حالست جنگ با اسرائیل مانع از آن میشود که بتواند به کسب سود موثره علاقه اش ناقل آید و از همینروست که به این سازش خانمانه دست میزند و در واژه های خود را بر روی کالا - های اسرائیلی میکشاید . فی الواقع برای بورژوازی کبیرا در صحر هیچ دلیلی وجود ندارد که محصولات اسرائیل در بازارهای صحر معرض فروش گذاشته نشود و در این راه منافع و حثیت تاریخی خلق صحر ،

برسیت شناخته شود و مردم فلسطین و آدار شوند تا در آرای یک دولت پوشالی در ساحل غربی رود اردن و نوار غزه از رهائی کلیه سرزمینهای خود صرف نظر کنند . قتل عام و کشتار رزمندگان فلسطینی در لبنان توسط ارتش صحر صدمی حافظ اسد و نیز هجوم فالا نژیستهای فاشیست لبنا- در حمایت " اسرائیل " رژیم مز- دور شاه خائن و تأیید دیگر نیرو-

های مترجع منطقه ، ضربات سخت دیگری بودند که به نهضت وارد آمدند . این حملات هدف منهدم ساختن انقلاب فلسطین و این- طلایه دار جنبش خلق های عرب را تعقیب میکردند و علاوه بر این- ضربات مردم فلسطین بطور دائم و همیشگی مورد بورش نظامی همه جانبه (هوایی ، زمینی و دریایی) مهاجمان اسرائیلی قرار گرفتند و جانیانی که شب و روز به پنا هگاه ها وارد و گاه گاه های مردم مستعبد و قهرمان فلسطین حمله کرده ، و پیر و جوان ، زن و مرد و کودک را کشتار نمود ماند .

از چندین پیش به اینصو امپر- یالیسم آمریکا در پی پیاده سا- ختن توطئه خیانت آمیزی دیگری بود که بالاخره این خیانت توسط سا- دات مزدور و بگین تروریست علی- گردید ، کنفرانس " کمپ دیویس " بالاخره منجر به قرار داد " پیمان صلح " جدا گانه صحر و " اسرائیل " گردید ، بر اساس این قرار داد رژیم خائن سادات موجودیت " اسرا- کیل " و تجاوزش به خاک فلسطین را بر رسمیت شناخت و آنرا تأیید کرد و در نتیجه آشکارا حقوق خلق فلسطین را لگد مال نمود . این- قرار داد منجر بدان میشود که

خلق فلسطین در طول تاریخ مبارزاتش و بیوز بهی از تجار صهیونسم و تشکیل دولت اشغالگر " اسرائیل " در سال ۱۹۴۸ تو- طئه های بسیاری را از سرگذا رانیده است ، توطئه هایی که هر کدام در جهت سرکوب کردن خلق فلسطین و مبارزات دلاورانه اش بوده است . امپریالیستها و صهیونیستها ، خلق فلسطین را بزور سر نیزه و قتل عام از سرزمینش بیرون کردند و فلسطین را به پایگاه تجاوز بخلق های منطقه تبدیل نمودند . لیکن مردمی که مین خود را از دست داده بودند بها خاستند و برای آزادی تمامی مین خود ، یعنی تمام سرزمین فلسطین به پیگیری خونین روی آوردند و نگذاشتند تا برجم مقاومت و انقلاب فرو افتد و آرزوهای شوم امپریالیسم و صهیون- نسیم مینی بر نابودی خلق دلاور فلسطین صورت تحقق بخود گیرد . مبارزات قهرمانانه خلق فلسطین تود هنی محکمی بود به امپریالیستها ، صهیونیستها و تمام مترجمین که میکوشیدند و وجود خلقی را با تاریخ طولانی و پر- افتخار انکار کنند . اما بموازات- شد و گسترش مبارزات خلق فلسطین و کسب پشتیبانی و حمایت هر چه بیشتر نیروهای انقلابی و مترقی جهان ، توطئه های امپریالیسم صهیونیسم و ارتجاع فزونی گرفت و ضربات زیادی را بر این خلیق مستعبد و قهرمان وارد آورد . کشتار وسیع دلاوران فلسطین در سپتامبر سیاه ۱۹۴۰ توسط ملک حسین جلا د با حمایت بد ریخ امپریالیسم آمریکا ، ضربه مهلکی بود که بر جنبش مقاومت فلسطین فرود آمد . طرح کنفرانس امپریالیستی زنو که با پیشنهاد شوروی و سا حمایت آمریکا ارائه شد توطئه بگزی بود تا خلق فلسطین به پای میز مذاکره با " اسرائیل " اشغالگر کشانده شود ، دولت " اسرائیل "

فلسطین و توطئه های امپریالیسم و صهیونیسم و ارتجاع

اقدام انقلابی اسرائیل علیه سرزمینهای فلسطین

غلامرضا ترقی که در کمیته لشکر ده نیک با نواخل عمده بود و آوردن فاجعه نقده بودند

شهادت هزاران تن از هم میهنان کرد و ترک و میزانی روستاهای اطراف وی خانمانی ا هالی مستدیده این منطقه، جامعه دیگری بود که بدنبال فجاجب ستنجد و گنبد برخلسق مستدیده ما رفت .

براستی ریشه ها و عوامل بوجود آوردنه چنین حوادث غم انگیز و ضد انسانی در کجاست ؟ کدام دست پلیدی است که اینجا و آنجا و ریزی در ستنجد ، و ریز دیگر در کبسد و امرویز در نقده جامعه می آفریند ؟ حمله و تیراندازی عناصر کیمت صفدی به مردم می گاه ستنجد ، گوله باران میتینگ آرم کانون فرهنگ خلق ترکمن بوسيله عناصر کیمت کبسد و تیراندازی عناصر کیمت شماره ۱ نقده بسوی مردم کرد همین طور تیراندازی عناصر کیمت شماره ۲ نقده بروی مردم ترک و همه و همه بیانگر اینست که بسیاری از کیمت ها بدل به لانه ضد انقلاب و پناهگاه امنی برای توطئه جینی های عواملس مزدور امپریالیسم شده است . ما قیلا طی گزارشات خود از ستنجد و گنبد علل و چگونگی حوادث این دو شهر را بررسی کرده و انتشار داده ایم و در اینجا به فاجعه نقده میس بردانیم :

...

نقده تقریباً بین شهرهای مهاباد ، ارومیه و بیرائشهر در در سینه دشت سلس و واقع شده است . روابط کرد ها و ترکها همواره خوب بوده و بخوشی و در کنار یکدیگر و با یکدیگر زندگی میکردند . در بسیاری موارد روابط فامیلی برقرار کرده اند . با اوج گیری مبارزات انقلابی توده ها ، این نزدیکی و همبستگی مستحکم تر شده در سنگر واحد مبارزه بر علیه رژیم ساقط شده وقوم می یافت . شعراهائی که تاکید بر برادری و برابری کرد و ترک داشت ، همواره در تظاهرات ضد امپریالیستی و ضد رژیمي و نظین ائکن بود . پس از قیام بهمین مطلع سلاح ژاندارمری و وتلیج مردم ، کیمت ای از طرف ترکها کیمت ها تشکیل شد . ترکیب کیمت که مستقیماً در ارتباط بسا کیمت ارومیه بریاست حسنی مرتجع کار میکرد ، عبارت بسود از عناصر مرتجع و ساواکیهای ترک و همچنین عده ای کرد . از آن جا که کرد ها حمل در اداره کیمت شرکت داده نمیشدند و حتی در مواردی تیمت هائی نیز با ایشان بسته میشد ، ناچار از کیمت کار کشید و آن را کالاد را اختیار ترکها گذاشتند . از طرف دیگر مرتجعین کرد از فرصت استفاده کرده و کیمت دیگری به نام کیمت شماره ۲ اعل کردند . این کیمت نیز عمدتاً از عناصر مرتجع و وابسته به فتودالها تشکیل شده است . از آنجا که در چنین جوی امکان ابراز وجود برای نیروهای دموکرات و انقلابی وجود نداشت ناچار به ایجاد جمعیتی از نوع جمعیت های موجود در سایر شهرهای کردستان میشدند . لکن از آن جایی که این جمعیتها معتقد بسه مشی انقلابی سیاسی نشکلیاتی هستند ، لذا بخشی از دیگر نیروهای مترقیس نتوانستند در این جمعیتها مشکل شوند .

پس از قیام بهمین و برقراری کیمت ها ، بتدییج توطئه جینیها و نفاق انگیزی از طرف عمال امپریالیسم و ارتجاع آغاز شد . ترکها و کردها را از مسلح بودن یکدیگر ترسانده و سعی در ایجاد رژیمت هائی برای درگیری میکردند . از هر حادثه کوچکی استفاده میشد تا به توطئه هایشان جاه عمل بپوشاند . بعنوان مثال وقتی عده ای از محصلین کرد سرودی کردی می خواندند ، مورد اعتراض بدی مردم سره قرار میگرفتند و در مقابل محصلین دست به تظاهرات میزدند و کیمت که رهبری آن در دست عواملس شاخته شده ای چون معبودی (از چاکران پرویا فرصت شاه سابق) و دکتر بهمین خسروی از زمینسدران بزرگ محول و مراد قنطاری از اوستان ساواکان ساواک بود ، بهانه ای برای درگیری یافت و در این تظاهرات به دخالت آشکار بر میخیزند و به بدینی دامن میزدند . با خلا قتل مصطفی عزیز که کرد بود توسط کیمت شماره یک بدلیل واهی توجه نکردن به فرمان ایست و متقابلاً قتل یکی از جاهدان ترک توسط کیمت شماره ۲ بازم به همان دلیل واهی و ... تحت تاثیر اینگونه حوادث ، جو تفرقه و بدینی بیش از پیش بالا میگردد . و بر اثر تحریکات مرتجعین محلی ، مناطقیس ترک نشین و کرد نشین سنگر بندی میشود و بدنبال آن تبلیغات در روستاها اوج میگردد تا تضاد اصلی دهقانسان برده پوسی شود . همزمان با این تبلیغات سسم کشنده و بخش سلحه در میان دهقانان ترک از طرف کیمت ارومیه شروع میشود . حوادث و سیاسی های فوق در مجموع آنچنان جوی را در نقده بوجود آورده بود که چون انبار باروت منتظر تنها یک جرقه بود . در این شرایط بود که حزب دموکرات کردستان تصمیم به برگزاری میتینگ بمناسبت کشایش دفتر حزب

در نقده میگردد . مسئولین دفتر حزب در نقده و امضای " جمعیت راه آزادی زحمتکشان " که شرایط و جو حاکم بر شهر را بحرانی تشخیص داده بودند ، در مورد برگزاری میتینگ هشدار میدهند . همینطور رفقای فدائی ترتیب دادن میتینگ را در جو فعلی نادرستی دانستند . همچنین کیمت شماره یک نقده (کیمت ترکها) مسئولیت هرگز نه حادثه ای را در صورت انجام میتینگ ، بهسده حزب وا میگذارند . لکن علیرض این شرایط ، حزب تصمیم خود را منب بر برگزاری میتینگ به مرحله عمل دروی آورد و صبح جمعه ۲۱ فروردین ماه پس از زور و سلحانه هزاران نفر از دموکراتها برای شرکت در میتینگ بسه استادیوم ورزشی و واقع در منطقه ترکها ، جمع میشوند . دموکراتها از تمام نقاط کردستان جهت برگزاری میتینگ دعوت شده بودند . در اینجا به حضرات بر نامه میتینگ صدای تیراندازی از بیرون استادیوم شنیده میشود . همین کافی است تا انبار باروت منفجر شود . و منفرجه میشود . افراد مسلح درون استادیوم نیز شروع به تیراندازی میکنند . اوضاع شتتج میشود و جمعیت از این سو به آن سو ، شتاسان هجوم میزند . سنگر بندی و بدنبال صدای تیراندازی یکدم قطع نمیشود . تیراندازها به هدف نشسته است . گشتار و

گوشه هایی از : فاجعه نقده

جنایت و گروگان گیری آغاز میشود . ترک و کرد که تا دیروز برادری و برادری هم زندگی میکردند ، در صفا واحد بر علیه رژیم شاهنشاهی و امپریالیسم میزبیدند . اکنون بدام توطئه های ارتجاع افتاده و به جنگ کیمت برادر کشی کشیده میشوند . با گسترش دامنه جنگ و با ورود " جاهدان " انزلی از کیمت ارومیه ، حسنی مرتجع - کشتار ابعاد وسیعتری بخود میس آورد . " جاهدان " با فرب کرد ها بوسيله جسدان بن عکسی از رهبر کردستان - آیت الله حسینی - بروی زره پوش و بسا پوشاندن سرو صورتشان بوسيله پارچه ای محلی - " آغا بانو " - خود را بشکل کردها در آورده و پس از نزدیکی شدن بسه پیش مرگ های کرد ، آنها را بیرحمانه به گلوله می بندند و ...

بسم الله الرحمن الرحيم

مردم مبارز شهرستان نقده و حومه ! عناصر ارتجاعی و ضد مردمی ، بار دیگر نفعل شوم خود را سردر دادند و به دنبال توطئه جینی علیه خواستهای به حق خلقهای آزاد بخواه از جمله خلق کرد ، در شهرهای ستنجد ، گنبد و آهادران این بار با استفاده از تحرک یک احساسات مذهبی و نژادی ، ساکنان نقده را به جان هم انداختند . سالها بود ترک و کرد ، شمه و سنسی برادری و برادری هم زندگی می کردند و مسلم است که این جنگ تحمیلی خواسته هیچ یک از طرفین نبوده ، بلکه به زیان هر دو گروه خواهد بود .

با توجه به حقیقت فوق ، از تمام برادران و خواهران مسلمان به ویژه ساکنان شهرستان نقده می خواهم که به برادر کشی خانه داده و به فرصت طلبان اجازه نفوذ در بطن انقلاب راستین ایران را ندهند . علیرض خواست قلسی بازماندگان رژیم پوسیده شاهنشاهی ، مشتمل بر دهمان پاپو سرایان و نفاق اندازان بزنید وثابست نمانید که همین سابق در کنار هم و با هم زندگسی می کنید .

در این مرحله حساس از تاریخ خلقهای ستم پذیر ایران ، با یان دادن به برادر کشی نشانه رشد سیاسی و تفاهم واخوت می باشد . لذا بار دیگر اکیداً اعلام می نماید که جنگ خاناموس نقده به زیان خلقهای کرد و ترسک تمام خواهد شد .

و السلام علیکم
سید عز الدین حسینی - مهاباد



جنایت ارتش من در نقده یاد و نیاخیر است که در شمیم شاه فخر رخ میدارد

خلق ترک و کرد که سالها در کنار هم با دوستی زندگی کرده اند ، اینک بدست عوامل ارتجاعی و فتودالها ، ساوا - کیمت و ... بجان یکدیگر می افتند . ارتجاعی های خسرو ن ناآگاه و ساده دل را نیز بنام دفاع از اسلام به منطقه کبسل میدارد تا برادران خود را قتل عام کنند . در این گیسو دار ارتش ملی " نیز ظاهراً تحت عنوان میانهجی وارد میدان میشوند لیکن در عمل آشکارا جانب ترکها را گرفته و دستش به خون خلق کرد آفشته میشود . با ورود ارتش و عواملی که هر یک بنحوی در ایجاد این بلوا دست داشتند ، از کیمت های شهر گرفته تا حاکم دموکرات خود را کنار کشیده و مردم را رها میکنند . اینجاست که مردم بیگناه قتل عام میشوند و بدنبال آن تجاوز به زنان ، شکنجه و گروگان گیری برآه میآیند ، روستاها با تانک مورد هجوم قرار میگیرند و ... در نهایت این خلق مستدیده ترک و کرد است که می باز و در مقابل ارتجاع سرسخت از تحق توطئه های کیمتس و سرحال تر از بیست نظره گر ماجراست .

گوشه هایی از جنایات نقده :

- یک کرد که توانست بود از زندان کیمت شماره یک نقده جان سالم بدر ببرد ، میگفت :
- " گروهی از ما را به کیمت امام بردند و همگی مان را کسه حدود چهل نفرین و مرد بودیم در یک اتاق نگاه داشتند . اطافهای دیگر نیز چنین وضعی داشت . هر سه چهار ساعت زنهارا برده و تجاوز میکردند . مردها را نیز مرتباً بیرون برده و تیرباران می کردند . و اینکار ادامه داشت تا زمانیکه فقط هشت تن از ما باقی مانده بود . یک کیمت فرجه هنگام فرار بگریز گلوله " جاهدین " بقتل رسید . تنها هفت تن زنده ماندیم ."
- یک کرد وارد منزل ترکی میشود ۸ نفر را گروگان میگردد . در این هنگام یک نفر که پنهان شده بود ، زینت این شخص را هدف قرار داده و بقتل میرساند . کرد های دیگر بخانه رسیده و ضارب را با ۸ گروگان دیگر به گلوله بسته و همگی را ا بسی کشند .
- عصر روز چهارم اردیبهشت به هلیکوپترهای ارتش " ملی " در ده غلسی آباد ، نزدیک نقده ، تیرباران کرده و اهالسی را به رگبار میبندند که در نتیجه ۷ تن کشته و تعداد زیادی زخمی میشوند . زخمی ها را به آشوبه میبرند .
- گروه پزشکی انزلی از مهاباد در تاریخ پنجم اردیبهشت چنین گزارش داده است : " دیروز ساعت ۶ غروب ، هلسی - کیمت از تیره ای مشرف بر قریه " آلیاوه سلسوس بر زمین شست و عده های سرساز و درجه دار از آن پیاده شدند . و سه تن از پیش مرگ های کرد از اهالی قریه جاویر - " شمس " - را بقتل رساندند . دیروز همچنین ۸ دستگاه تانک وارد قریه " گلوان " شدند ."
- یکی از روستائیان که خود شاهد ماجرا بوده ، میگنید : " دیروز (چهارم اردیبهشت) ، هلی کپتر ارتش بسده د شمس حمله کرده و پنج نفر را کشته و چهار تن دیگر را به گروگان برده است . همچنین مزدوران " قیاده موت " به ده ترک نشین " کیلان " هجوم برده و اهالی را قتل عام کرده اند ."
- زن و شوهری که همراه با بچه ششمه شان از دست " جاهدان " جان بدر برده بودند ، می گفتند که " ما از ترس جانمان به خانه ترکها پناه برده بودیم که ناگهان " جاهدان " ارومیه (کیمت حسنی) سر رسیده و با خشونت کرد ها را احضار کردند . ترکها گفتند که ما اینجا کرد ندایم . لکن بعد از ترس و جوفیمیدند که ما کرد هستیم . یکی از آنها گفتند که ما را کشید و بسوی ما نشانه رفت که ترکها جلوی ما ایستادند و گفتند که اگر میخواهید آنها را بکشید اول باید بروی ما آتش کشید ."
- کارگر کیمتاری که قریب حسنی مرتجع را خورده و از ارومیه برای دفاع از اسلام به نقده رفته بود میگفت : روزی چهارم یا پنجم اردیبهشت (که گروهی زن و بچه از شهر به طرف ترکها ها فرار میکردند ، یکی از رشتیانی " ملی " با شلیک چنسد رگبار آنها را بزین ریخت . من یکی از بچه ها را که زخمی شده ولی نمرده بود از روی زمین بلند کردم . ولی آن ارتشی کودک را از دست گرفت و با یک تیر خلاص کرد ."
- همین کارگر کیمت : " جاهدینی که سوار بر هلیکوپتر بودند ، از آن بالا هر کردی را که دیدند ، به می کشند . چرا او از مهاباد این " جاهدان " شگفت زده شده بود . چرا که کرد ها را که در حال فرار بودند با تک تیر یکی پس از دیگری بیاک می کشیدند ."
- به احتمال قوی این شکارچیان انسان ، از نیروهای تعلیم دیده ارتش بودند که در لباس " جاهد " هنرنامه می کردند .